

عدالت اجتماعی و آب

درآمدی بر مفاهیم و رویکردها



عدالت اجتماعی و آب

درآمدی بر مفاهیم و رویکردها

تهیه کننده: محمد ارشدی

دیدگاه‌های طرح شده در این نوشتار، لزوماً به معنای دیدگاه‌های اندیشکده تدبیر آب ایران نیست.



اندیشکده تدبیر آب ایران
محل پژوهش و گفت‌وگو در زمینه‌های مرتبط با آب

فهرست مطالب

۱	۱- مقدمه
۱	۲- عدالت اجتماعی؛ اصول و رویکردها
۱	۲-۱- تاریخچه عدالت و اصول آن
۴	۲-۲- عدالت اجتماعی و رویکردهای آن
۸	۳- درآمدی بر عدالت آبی
۸	۳-۱- نقش آب در اقتصاد و جامعه
۹	۳-۲- پیش نیازهای تحقق عدالت آبی
۱۲	۳-۳- موانع تحقق عدالت در حوزه آب
۱۳	۳-۴- چارچوب عدالت آبی
۱۴	۳-۴-۱- عدالت توزیعی آب
۱۷	۳-۴-۲- عدالت رویه‌ای در آب
۱۸	۳-۴-۳- عدالت تعاملی آب
۱۹	۳-۵- نظام‌های مختلف مدیریت آب از منظر عدالت آبی
۱۹	۳-۵-۱- پیوند مالکیت آب با زمین یا همجواری
۲۰	۳-۵-۲- دکترین تقدم
۲۱	۳-۵-۳- دکترین امانت‌داری عمومی
۲۱	۳-۶- ارزیابی مقدماتی عدالت آبی در رژیم‌های مختلف حقوقی
۲۲	۳-۶-۱- بر اساس دیدگاه راولز
۲۳	۳-۶-۲- بر اساس دیدگاه نوزیک
۲۴	۳-۶-۳- بر اساس مولفه‌های عدالت آبی
۲۷	۴- جمع‌بندی

۱- مقدمه

سیاست‌های عدالت اجتماعی در پی افزایش رفاه عمومی از طریق ایجاد فرصت‌های مختلف برای اقشار کم‌درآمد و فقیر، چون ایجاد بستر توسعه فعالیت‌های اقتصادی روستایی، بر منابع آب تأثیرگذار هستند. بررسی سیاست‌های گذشته عدالت اجتماعی در ایران نشان می‌دهد که بخشی از فشارهای وارد شده بر منابع آب به دلیل رویکردهای عدالت‌خواهانه در بیرون بخش آب می‌باشد. قوانین آب، از جمله قانون «آب و نحوه ملی شدن آن» و قانون «توزیع عادلانه آب» و حتی فراتر از حوزه آب، قانون اصلاحات ارضی، با تأکید بر بازتوزیع منابع طبیعی و تحقق عدالت اجتماعی تنظیم شده‌اند. اینکه تا چه اندازه این بازتوزیع منابع آب به صورت عادلانه تعریف شده، منظور از تعریف و تحقق عدالت آبی چیست و در مرحله پیاده‌سازی، تا چه اندازه آن درک از عدالت آبی محقق شده، نیاز به بررسی دقیق دارد که کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

در این نوشتار، در ابتدا نگاهی به مفهوم عدالت و رویکردهای عدالت اجتماعی خواهیم انداخت. همچنین به بررسی مفهوم عدالت آبی و الزامات و مؤلفه‌های آن می‌پردازیم. بر این اساس، طرح اولیه‌ای برای مفهوم عدالت آبی، مولفه‌ها و ویژگی‌های آن ارائه می‌شود.

۲- عدالت اجتماعی؛ اصول و رویکردها

۲-۱- تاریخچه عدالت و اصول آن

عدالت یکی از اهداف اصلی مصلحان و سیاست‌گذاران برجسته در طول تاریخ بوده و با توجه به این که اجماع کاملی بر سر این مفهوم نیست و وجه ذهنی این مفهوم بسیار برجسته است، هر کدام از اندیشمندان به شیوه‌ای سعی در تشریح و تبیین این مفهوم کرده‌اند. یکی از تعاریف خیلی قدیمی در مورد عدالت مربوط به یوستینیانوس، امپراتور روم است که عدالت را «اراده مستمر و یکنواخت برای ادای حقوق هر فرد» تعریف می‌کند (میلر، ۲۰۰۳). این تعریف تأکید دارد که یکی از جنبه‌های محوری عدالت این است که رفتار با افراد باید فارغ از تناقض و تبعیض و عادلانه باشد. سپس در طول تاریخ، تعاریف متعددی با توجه به زمینه‌های جهان‌شناختی، فکری، اعتقادی، مذهبی و علمی ارائه شده است. در برخی درک‌ها، تحقق عدالت در یکسانی و مساوات در برخوردها جستجو می‌شود، اما در ادامه مشخص شد که این یکسانی به تنهایی تضمینی برای تحقق عدالت نیست و نیازها، شایستگی‌ها و شرایط افراد ایجاب می‌کند که برای تحقق عدالت به برخورد متفاوت متناسب با شرایط نیاز باشد و درک‌ها و برداشت‌های ما از عدالت تا حد زیادی بسته به موقعیت‌ها و شرایط تحقق عدالت هستند. همچنین عدالت فقط ناظر به رفتاری که با افراد می‌شود نیست بلکه روندی که برای انتخاب آن رفتار و رسیدن به یک تصمیم، طی می‌شود نیز مهم است. در طول تاریخ روندی تکاملی برای درک و تحقق عدالت طی شده است.

یکی از ابتدایی‌ترین اصول عدالت، برابری^۱ یا توزیع برابر و مساوی منابع، امکانات، درآمدها و رفاه است. برخی فیلسوفان عدالت بر این باورند که تنها اصل عدالت، همین اصل برابری است. عدالت در هر شکل آن تنها شکلی از برابری است.

^۱ - Equality

برای مثال در حوزه آب، این اصل بر این تمرکز دارد که همه افراد ساکن در یک جامعه، حوضه آبی، دشت یا سهمی برابر و مساوی از منابع آبی دارند.

این نوع درک از عدالت به معنای مساوات در دارایی، در ایران سابقه تاریخی داشته و به مزدکیان در دوران ساسانیان بر می‌گردد. بنا بر اسناد تاریخی، مزدک بر این باور بود که راه رسیدن به عدالت رفع نابرابری‌ها از طریق تحقق مساوات در برخورداری از نعمت‌های مادی است (اکبری، ۱۳۸۷). از نظر مزدکیان، از سه عنصر آب و آتش و خاک یا چراگاه (منابع طبیعی) که در قابلیت تملک و در استفاده انسان در آمدن است، باید همه مردم جامعه به طور یکسان و اشتراکی بهره‌مند شوند (پایگاه اینترنتی ادیان و عرفان، <http://adyandoroud.blogfa.com>). آنان بر این عقیده استوار بودند که باید از غنی گرفته و به فقیر داده شود تا همه جامعه در ثروت مساوی شوند (ویکی‌پدیا). همچنین، در انگلستان قرن شانزدهم و هفدهم، گروهی به نام هموارسازان وجود داشتند که بر این باور بودند که خدا همه انسان‌ها را برابر آفریده و افراد دارای حق آزادی و برابری هستند.

باید توجه داشت که اگر دقت نشود بحث مساوات با بحث برابری در توزیع منابع و منافع حاصل از منابع خلط شده و این نکته که بین افراد مختلف تفاوت در نیازها، موقعیت و شرایط وجود دارد، در نظر گرفته نمی‌شود. این مسئله برخورد متفاوت با افراد بر اساس شرایط و موقعیت آنها را برجسته می‌کند (میلر، ۲۰۰۳).

یکی از دلایل برخورد متفاوت با افراد این است که آنها نیازهای متفاوت دارند. کسانی که رابطه بین عدالت با نیاز را مطرح می‌کنند بر این باورند که اقتضای عدالت ایجاب می‌کند که افراد ثروتمند و سیر، به افراد نیازمند، گرسنه و فقیر بیشتر توجه و کمک کنند و دستگیری اجتماعی باشد. این کار در گذشته و پیش از پا گرفتن مفهوم مدرن دولت از طریق سازوکارهای فردی بر پایه اصول اخلاق فردی دنبال می‌شد. برای مثال در اسلام، این اصل در ساحت‌های اجتماعی چون اصناف و گروهی‌های مذهبی یا صنعتگری سازماندهی می‌شد. یعنی افراد ثروتمند از لحاظ اخلاقی و اجتماعی وظیفه‌ای اجتماعی بر دوش خود حس می‌کردند که به افراد نیازمند کمک کنند. برای مثال در مدیریت سنتی آب ایران، سهمی از آب قنات یا سهمی از خرمن و محصول سال را در نظام سهم‌بری برای افراد نیازمند جدا می‌کردند. این رفتار را در ساختن سرمایه‌گذاری‌ها و زیرساخت‌های عمومی مانند آب‌انبارها، یخچال‌ها و غیره می‌توان ملاحظه کرد.

این موضوع را شهید محمد باقر صدر، از نظریه‌پردازان عدالت اجتماعی در اسلام، در تفکر خود نسبت به عدالت اجتماعی در قالب اصل تکافل اجتماعی صورت‌بندی می‌کند. اصل تکافل اجتماعی بر این پایه مسئولیت متقابل اجتماعی افراد جامعه نسبت به همدیگر در حدود ظرفیت، توانایی و امکانات خود استوار است. در اصل تکافل اجتماعی مورد نظر شهید صدر، نوعی ضمانت و مسئولیت عمومی افراد جامعه نسبت به یکدیگر که در بردارنده مبنای گذشت از منافع صرف فردی و اندیشیدن به منافع و مصالح عمومی و همگانی است، وجود دارد. در اسلام معروف است که هر ثروتمندی تا ۴۰ خانواده در اطراف او کسی گرسنه بخوابد، مسئولیت آن بر عهده آن فرد است.

در گذشته در بین بازاریان مرسوم بود که در هر صنف برای کمک به افرادی که نیازمند هستند یا دچار یک شکست شغلی شده‌اند، همه اعضای آن صنف مشارکت می‌کردند، تا با انجام یک عمل اخلاقی و دادن قرض به آن فرد شکست‌خورده، فرصت احیای دوباره را برای آن فراهم کنند. این موضوع در دیگر جوامع و ذیل اعتقادات مذهبی و

باورهای فرهنگی متفاوت هم به شکل‌های دیگر وجود داشته است. اما از زمانی که مفهوم دولت مدرن شکل گرفته است، مسئله نیاز و تامین آن ذیل مفهوم عدالت اجتماعی صورت بندی و جزو وظایف دولت به شمار می‌آید. سوالی که کارشناسان و دولت با قرار گرفتن این مسئولیت بر دوش خود طرح می‌کنند این است که چه سطحی از نیازهای را باید دولت برای همه افراد جامعه تامین کند. آیا باید به همه نیازهای یک فرد در جامعه مدرن امروزی (شامل آموزش، سلامت، امنیت، نیازهای پایه، تحصیل و غیره) پاسخ داد؟ یا باید تفکیکی بین نیازهای حیاتی و ضروری و نیازهایی که ارتقاء سطح رفاه و برخورداری را دنبال می‌کنند، قائل شد.

اگر نیازهای متفاوت دلیل برخورد متفاوت با افراد است، میزان شایستگی¹ متفاوت افراد هم دلیل دیگری است. به همین دلیل اصل دیگری که در مفهوم عدالت مطرح می‌شود این است که از منافع هر فعالیت، به اندازه شایستگی و میزان فعالیت و انرژی که توسط آن فرد برای انجام یک کار صرف کرده، داده شود. اصل شایستگی نقش کلیدی در برداشت عموم از عدالت دارد. نحوه تعیین میزان استحقاق و شایستگی افراد از بزرگترین چالش‌های این اصل برای تحقق عدالت است.

سه اصل برابری، نیاز و شایستگی از اصول کلیدی در بحث عدالت اجتماعی هستند که درک فرد از عدالت اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. نحوه اولویت‌بندی این سه اصل، رویکردهای مختلف به عدالت را رقم زده است. شایان توجه است که در بین این سه اصل، از یک موضوع به موضوع دیگر اصل کانونی در عدالت تغییر می‌کند. برای نمونه، رویکردهایی که عدالت را به مثابه مساوات‌طلبی می‌دانند بر اصل برابری تاکید دارند.

اصل دیگری که در ارتباط پیچیده و متقابل با سه اصل دیگر در تحقق مفهوم عدالت، به خصوص در عدالت منابع طبیعی و زیست‌محیطی، مطرح می‌شود اصل کارایی است. اصل کارایی بر این تاکید دارد که هر فردی که در استفاده از منابع با به کارگیری بهینه ظرفیت عوامل تولید، بیشترین ثروت و درآمد را برای خود و کل جامعه تولید کند، محق‌ترین فرد به آن منابع است. چون بر این باور است که تا ثروتی تولید نشود و انباشت سود و درآمدی نباشد، مفهوم توزیع ثروت و درآمد و ارتقاء رفاه کل معنا پیدا نمی‌کند که این مهم با اتلاف منابع محقق نمی‌شود. پس، در نگاه کلان عدالت در یک جامعه، کسی که با تلاش، استعداد و ظرفیت‌های فردی به بهینه‌ترین شکل از منابع استفاده کرده و بیشترین ثروت را تولید می‌کند، اگر منابع به دست او باشد، عدالت محقق شده است. البته اینجا، مسئله رساندن بخشی از آن ثروت تولید شده به اقشار فقیر و آسیب‌پذیر مطرح می‌شود. مسئولیت اجتماعی و اخلاقی آن فرد در قبال افراد و یا ورود دولت و اختصاص بخشی از این منابع توسط مالیات از سازوکارهای رایج می‌باشد.

تحقق اصل کارایی با مفهوم انگیزه برای کار و تلاش رابطه تنگاتنگ و وثیقی دارد. به دنبال آن موضوع ایجاد انگیزه از طریق رسیدن دسترنج هر کس به خود آن کس و مفهوم نفع شخصی برجسته می‌شود. مفهوم نفع شخصی بر این استوار است که هر کسی انتظار دارد حاصل تلاش، کار و استعداد خود را ببرد و مالک آن چیزی باشد که از طریق کار و تلاش خود تولید کرده است. بنابراین وقتی منابع به افراد و گروه‌های دارای استعداد و ظرفیت برای تولید بهینه از جوامع برسد، و این افراد با تولید بهینه از این منابع، انباشت ثروت در جامعه را سبب می‌شوند. این افراد ضمن برخورداری از ثروت

¹ - Equity (Contribution)

تولیدی، استعداد در انباشت این ثروت را نه ملک شخصی، بلکه همچنین، دارایی اجتماعی یک جامعه بدانند، وظیفه اخلاقی دارد که سهمی از این محصول را برای افراد دیگر اختصاص دهد.

۲-۲- عدالت اجتماعی و رویکردهای آن

عدالت اجتماعی وجه اجتماعی عدالت است. این نوع عدالت به دنبال دسترسی به بهینه‌ترین حالت در تعریف و استقرار مجموعه‌ای از نهادهای سیاسی و اجتماعی برای دستیابی به بهترین حالت دسترسی عادلانه به منافع و هزینه‌ها در کل جامعه می‌باشد. در خصوص مفهوم عدالت اجتماعی طیف وسیعی از نظرات و رویکردها از انکار کامل آن تا شیفتگی کامل به آن وجود دارد.

رادی‌کال‌ترین دیدگاه در مورد عدالت اجتماعی، دیدگاه مارکسیست‌ها است که عدالت اجتماعی در آن دیدگاه به سطح دو اصل نیاز و برابری کاهش می‌یابد. بر اساس این دیدگاه، جامعه‌ای عادلانه است که افرادی بر اساس توانشان در امور اقتصادی مشارکت کنند و بر اساس نیازشان از منافع برداشت کنند و مازاد آن به صورت برابر بین همه تقسیم شود. این نوع رویکرد طرفدار مالکیت مشاع بر ابزارهای تولید و منابع یا مالکیت دولتی است.

از طرف دیگر، از منتقدان سرسخت مفهوم عدالت اجتماعی، می‌توان به فون‌هایک، اقتصاددان اتریشی و طرفدار بازار آزاد اشاره کرد که بر این باور است که صحبت از عدالت اجتماعی به خودی خود یک اشتباه بنیادی است. یک عمل زمانی ناعادلانه است که قانون عمومی را که یک جامعه وضع کرده تا افراد بتوانند با اطمینان و اعتماد با هم همکاری کنند نقض کند. ایشان همچنین مطرح می‌کند که به محض اینکه توزیع عادلانه منابع را مطرح می‌کنیم، آزادی اقتصادی را محدود کرده‌ایم. در دل همین نظام فکری لیبرال و بازار آزاد، دو دیدگاه متاخرتر که امروز بیشتر مورد توجه تصمیم‌گیرندگان، سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران است، دیدگاه جان راولز و رابرت نوزیک به عدالت اجتماعی است.

جان راولز دیدگاه اخلاقی به عدالت دارد. ایشان برای عدالت سه اصل مهم را برمی‌شمارد که با اتکای به آنها می‌توان دسترسی به منافع اجتماعی و اقتصادی را سامان بخشید و ارزیابی کرد: اصل آزادی طبیعی، اصل برابری و اصل تفاوت^۱. مایکل سندل از عنوان برابری لیبرالی (شایسته‌سالاری متعارف) برای اصل برابری و برابری دموکراتیک برای اصل تفاوت استفاده می‌کند (سندل، ۱۳۹۴).

مطابق اصل آزادی، هر توزیعی در نظام اقتصاد بازار کارآمد و کارا که از برابری فرصتهای حقوقی برای همه صاحبان استعداد برخوردار باشد، توزیع عادلانه است. بر پایه نقد وارده بر اصل آزادی طبیعی مبنی بر اینکه این گونه توزیع متاثر از نحوه تقسیم اولیه استعدادها و امتیازها است، اصل برابری برای علاج اصل آزادی طبیعی از برابری حقوقی فراتر می‌رود و محرومیت‌های اجتماعی و فرهنگی را حتی‌المقدور در نظر می‌گیرد. هدف این اصل نوعی «شایسته‌سالاری منصفانه» است که نابرابریهای اجتماعی و فرهنگی را به وسیله ایجاد فرصت‌های آموزشی برابر، بعضی سیاست‌های بازتوزیعی و اصلاحات اجتماعی دیگر کاهش می‌دهد. همچنین، نقطه‌شروعی برابر بر پایه استعدادها و امتیازها و فارغ از شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در آن به دنیا می‌آیند، برای همگان فراهم کند (سندل، ۱۳۹۴).

¹ - Principle of Difference

دیدگاه راولز بر این اساس بنا نهاده شده است که زمانی عدالت اجرا می‌شود که هیچ‌گونه سود شخصی بر شرایط اولیه توزیع منابع اثرگذار نباشد. برای تحقق این شرایط، راولز مفهوم «وضعیت نخستین» را طرح می‌کند که در آن وضعیت، بهره‌برداران در شرایطی قراردادهای بنیادین اجتماعی برای توزیع منابع برای اولین بار منعقد می‌کنند که در پرده‌ای از بی‌اطلاعی از وضعیت نهایی خود در جامعه از نظر طبقه، نژاد، جنسیت و غیره قرار دارند و قراردادهای متاثر از سودهای شخصی و اغراض فردی نخواهند بود.

برخی صاحب‌نظران حوزه عدالت با توجه به دشوار بودن ایجاد شرایط اولیه بر طبق اصل برابری راولز، گام منطقی بعدی را حرکت از برابری فرصت‌ها به سمت برابری در نتایج و رفع نابرابری استعدادهای می‌دانند. اما راولز به جای رفع تفاوتها و نابرابری استعدادهای و امتیازها، بر تنظیم منافع و قواعد به گونه‌ای که تیره‌بختان در سهم منابع خوش‌اقبالان سهم باشند، تاکید می‌کند. بنا بر این دیدگاه، زمانی نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی عادلانه به شمار می‌روند که به سود محرومترین افراد جامعه باشند. اصل تفاوت بیانگر این موضوع است که استعدادهای و خصوصیات طبیعی افراد نه مایملک شخصی بلکه دارایی مشترک همگانی است (سندل، ۱۳۹۴).

در درون نظام فکری لیبرالیسم، دیدگاه دیگری که در قرن بیستم در مقابل دیدگاه راولز مطرح شد، دیدگاه رابرت نوزیک بود. در دیدگاه نوزیک همچون دیدگاه راولز، حق بر خیر مقدم است. نوزیک با تکیه بر مالکیت شخصی و احترام به حاصل کسب و دفاع از عدم مداخله دولت و اصل دولت حداقلی، دیدگاهی مقابل دیدگاه راولز که به دنبال حمایت از دخالت دولت در روابط اقتصادی-اجتماعی و تئوری دولت رفاه بود، مطرح کرد. دیدگاه رابرت نوزیک در مورد عدالت اجتماعی بر نظریه استحقاق تاکید دارد. نظریه استحقاق بیان می‌دارد که توزیع ثروت، درآمد و دارایی‌ها در یک جامعه تنها در صورتی عادلانه است که هر کسی در آن جامعه مستحق آنچه دارد، باشد. از منظر نوزیک عدالت اجتماعی، نه بر اساس معیارهای توزیع، بلکه بر اساس اینکه تا چه اندازه فرآیند برخورداری حقوق افراد و توزیع منافع عادلانه بوده، استوار است.

نوزیک با هرگونه بازتوزیع حقوق و دخالت دولت در توزیع حقوق برای تحقق عدالت مخالف بوده و عقیده دارد که تحقق عدالت اجتماعی و طبیعی بدون هیچ ساختار اجتماعی منجر به هرج و مرج می‌شود. برای جلوگیری از هرج و مرج، نوزیک، ساختار اجتماعی که به عنوان دولت حداقلی شناخته می‌شود، را پیشنهاد می‌دهد. در این ساختار اجتماعی نقش دولت را تنها تضمین و حفاظت از حقوق افراد در مقابل فشارها و نیروهای مختلف، تقلب و فریب می‌داند و از هرگونه دخالت در توزیع حقوق مالکیت در منابع منع می‌کند. بر خلاف رویکردهای دیگر که بر مکانیزمهای تخصیص دولتی تمرکز دارند، نوزیک خلق و انباشت ثروت از طریق تضمین حقوق افراد و عدالت را صرفاً در نحوه تعریف حقوق تاریخی دنبال می‌کند. او نحوه اخذ حق را با الهام از تئوری عدالت جان لاک حق برداشت از منابع و برخورداری از حقوق برای حداکثر کردن رفاه خود می‌داند. جان لاک در تئوری خود بر ایجاد فرصت برای افراد برای دنبال و حداکثر کردن سود و رفاه شخصی خود به گونه‌ای که خدشه‌ای به حقوق و آزادی‌های دیگران وارد نکند، تاکید دارد.

علاوه بر این دو دیدگاه، نظامهای فکری دیگر، همچون اسلام، با رویکردی متفاوت به عدالت، نگاه می‌کنند. مطابق دیدگاه شهید محمد باقر صدر، در اسلام برای ایجاد تعادل و توازن در ثروت‌ها و هزینه‌ها، بر دو اصل تکافل یا همکاری عمومی و توازن اجتماعی، در دو مرحله پیش از تولید (دسترسی عادلانه به منابع) و پس از تولید (توزیع درآمدها)، تاکید

می‌شود. تکافل عمومی بر پایه مسئولیت اجتماعی و عمومی افراد جامعه نسبت به همدیگر و اندیشیدن و تلاش برای بهبود منافع عمومی و همگانی است. در همین راستا مسئولیت دولت را تامین نیازهای ضروری انسان‌ها می‌داند. اصل توازن اجتماعی با محترم شمردن منشاء تفاوت و شایستگی‌ها در افراد و اصالت کار به عنوان مبنای مالکیت و حقوق مالکانه، بر برابری در سطح معیشت افراد و نه برابری در سطح درآمد افراد تاکید دارد (صدر، ۱۳۴۸).

سه اصل برابری، نیاز و شایستگی قواعدی هستند که برای تعیین چگونگی توزیع منابع یا منافع و پاداش‌ها استفاده و به عنوان اصول و قواعد عدالت توزیعی^۱ شناخته می‌شوند. زیرا همه آنها بر توزیع خروجی‌ها یا تخصیص منابع و منافع تمرکز دارند. از دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، پژوهش‌ها در بررسی موضوع عدالت اجتماعی، علاوه بر عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای^۲ را هم مدنظر قرار دادند (عباسی، ۱۳۹۴). فرضیه اصلی عدالت رویه‌ای این است که اگر شیوه‌ای که از طریق آن درباره نحوه توزیع منابع و منافع تصمیم‌گیری می‌شود، توسط گروداران مختلف عادلانه و منصفانه دانسته شود، محتمل است که توزیع نهایی منابع و منافع به عنوان توزیع عادلانه مقبول افتد (Patrick, 2012). عدالت رویه‌ای بر سازوکارها، مولفه‌ها و اصول مورد نیاز برای تحقق فرایند عادلانه در اخذ تصمیمات، تاکید دارد. این اصول در تحقیقات مختلف متفاوت بیان شده است اما در برخی از این اصول اجماع نسبی وجود دارد. اصولی چون مشارکت، بی‌طرفی، شفافیت، دسترسی به اطلاعات، امکان نمایندگی و تاثیرگذاری برای همگان در تصمیمات و غیره.

حوزه سوم عدالت اجتماعی، عدالت تعاملی که در حوزه روانشناسی بوده و بدنبال پاسخ به این سوال است که آیا افراد احساس خوشایند و مناسبی از شیوه‌ای که با آنها رفتار شده، دارند. بررسی احساسات و برداشت افراد از میزان عادلانه بودن فرایندها و نتایج، حتی در شرایطی که نتایج بر علیه آنها باشد، موضوعی است که در این حوزه از عدالت مورد توجه است. عدالت تعاملی بر سه اصل اعتماد، کرامت و احترام تاکید دارد. برخی از صاحب نظران، عدالت تعاملی را بخشی از عدالت رویه‌ای می‌دانند که تاکید بر فرایندها و جلب مشارکت همه گروداران دارد.

برخی صاحب نظران به سه نوع عدالت دیگر شامل عدالت اطلاعاتی، عدالت رابطه‌ای و عدالت اصلاحی هم می‌پردازند که در این مقاله به آنها پرداخته نمی‌شود.

شکل ۱ نوع‌شناسی مفاهیم، مولفه‌ها و دیدگاه‌های عدالت را نشان می‌دهد. انواع عدالت این نمودار در چهار گروه دسته‌بندی شده‌اند:

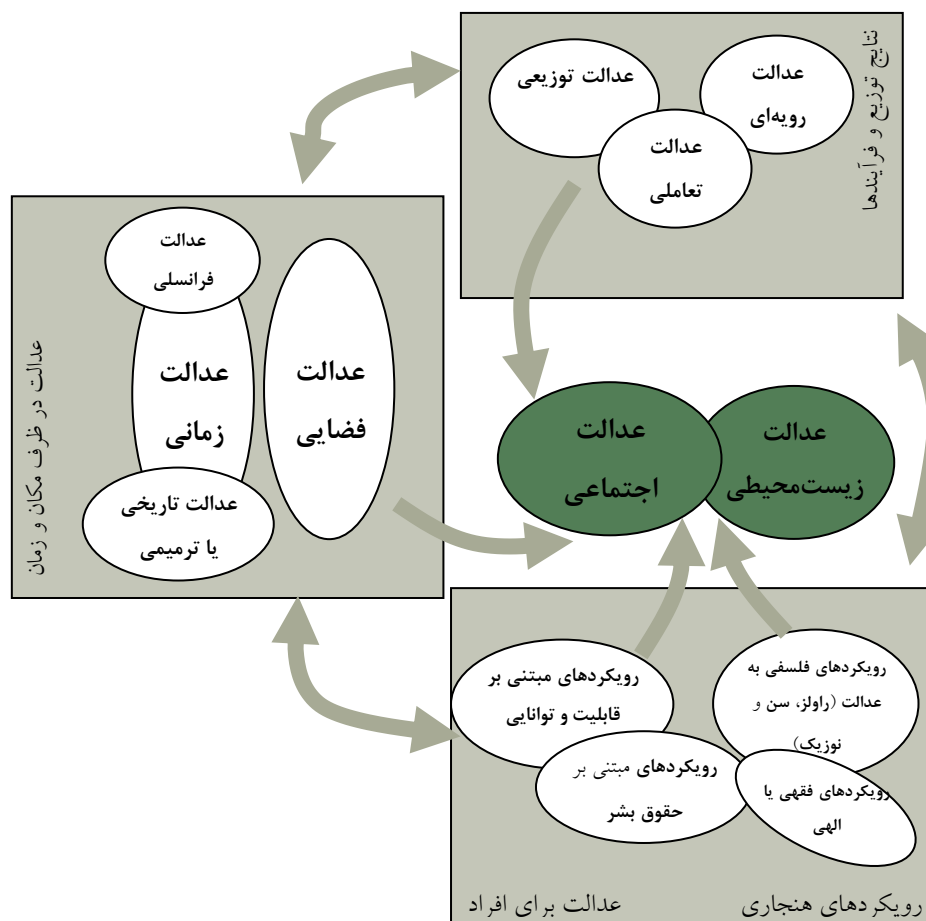
- **دسته‌بندی بر اساس مقیاس (عدالت زمانی و مکانی):** در این دسته‌بندی مولفه زمان و مکان در فهم و بررسی عدالت مورد تاکید قرار دارد. عدالت مکانی و فضایی بر دسترسی عادلانه و برابر همه اقشار جامعه در تمام مناطق، در سطح محلی، شهری، حوضه آبریز، ملی و بین‌المللی به منابع و امکانات تاکید دارد. بر پایه عدالت فضایی، دسترسی به منابع آب و منافع و هزینه‌های آن در حوضه آبریز یک رودخانه زمانی عادلانه است که همه بهره‌برداران (انسان، محیط‌زیست و اکوسیستم‌ها) در تمام طول رودخانه، از بالادست تا پایین دست آن، به صورت منصفانه به این منابع دسترسی داشته باشند. زمانی که بهره‌برداران بالادست به دلیل دسترسی زودتر به آب امکان برداشت آب بیشتر با

1 - Distributive justice

2 - Procedural justice

اطمینان بالاتری داشته باشند و بهره برداران پایین دست، با داشتن حقوق برابر، اما به دلیل عدم رعایت حقوق و تعهدات ریسک کمبود کمیت و کیفیت آب را متحمل شوند، بی عدالتی فضایی رخ داده است. عدالت زمانی یا فرانسلی، تحقق عدالت را تنها در زمان حال دنبال نمی کند. این نوع عدالت شرایط و حقوق تاریخی را می بیند و به آینده و حقوق نسل های آینده هم نگاه دارد. عدالت فرانسلی به توزیع عادلانه منابع، منافع و هزینه های آب در گستره زمان، شامل احترام به حقوق نسل های آینده و حقوق تاریخی بهره برداران مقدم، توجه دارد.

- **دسته بندی بر پایه مولفه ها و نتایج فرایند تصمیم گیری:** این دسته بندی بر اساس نوع شناسی عدالت بر اساس نوع تاکید بر نتایج یا فرایندها انجام می پذیرد. عدالت توزیعی، رویه ای و تعاملی در این گونه دسته بندی قرار می گیرند. این نوع عدالت ها بر فرایند تصمیم گیری در مورد منابع و منافع آن، فضای تعاملی بین بازیگران و گروداران و نتایج تصمیم گیری تمرکز دارد. عدالت توزیعی، به جای فرایند تصمیم گیری بر سر منابع، بر عادلانه بودن وضعیت نهایی دسترسی افراد و گروه ها به منابع تمرکز دارد. این در صورتی است که عدالت رویه ای به منصفانه بودن فرایندهای تصمیم گیری توجه دارد.
- **دسته بندی بر پایه فلسفه عدالت و حقوق بشر:** این دسته بندی عدالت ها، نگاهی هنجاری به عدالت دارند. بدین معنی که به دنبال تقسیم بندی عدالت ها بر اساس ریشه نظری و فلسفی آنها هستند.



شکل ۱- گونه شناسی عدالت (Lukasiewicz, 2017)

۳- درآمدی بر عدالت آبی

کاربرد مفهوم عدالت در هر حوزه‌ای مستلزم شناخت شرایط و مولفه‌های آن حوزه می‌باشد. به دلیل پیوند گسترده و عمیق آب با جامعه، تعریف عدالت آبی منوط به فهم رابطه بین آب و جامعه و اقتصاد است. بدین منظور در این بخش به اختصار به نقش آب در اقتصاد و جامعه پرداخته می‌شود.

۳-۱- نقش آب در اقتصاد و جامعه

آب تنها بخشی از اقتصاد نیست، بلکه در همه بخشهای اقتصاد تنیده شده است. بدون آب اقتصاد نمی‌تواند عمل کند. آب منبع تولید، رشد و شکوفایی است. اما از طرف دیگر، آب به دلیل قدرت تخریبی که دارد، یک تهدید هم به شمار می‌آید و می‌تواند با خشکسالی‌ها و سیلاب‌ها، فقر و مرگ و میر، آلودگی، بیماری، اختلاف و تعارض را به بار آورد. همه بخش‌های تولید-کشاورزی، صنعت، انرژی و حمل و نقل - به آب وابسته هستند. آب طیف گسترده‌ای از فایده‌های اجتماعی را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ایجاد می‌کند. از این رو، برای پرداختن به عدالت در حوزه منافع حاصل از آب، تعیین منافع حاصل از آب بسیار سخت و پیچیده است. ریشه و دلیل این پیچیدگی را در گستردگی منافع حاصل از آب در نقش‌های متعددی که آب در فعالیت‌های انسانی و در طبیعت ایفا می‌کند، باید جست. همچنین، روابط پیچیده بین مولفه‌های مختلف سیستم‌های آبی با هم و دیگر بخش‌ها چون انرژی، غذا و امنیت، این پیچیدگی را دوچندان می‌کند. آب منافع زیادی را در قالب محصولات و تولیدات، یا خدمات و یا ایجاد ارزش‌های نمادین و فرهنگی، برای جامعه به ارمغان دارد.

متناظر با هر نوع ارزش تولیدی از منابع آب، ذینفعانی هم وجود دارد. شناخت و در نظر گرفتن طیف وسیعی از منافع، ذی‌نفعان و منافع ذی‌نفعان مرتبط با آب مهم است. زیرا منافع و ذینفعان مستقیم آب تنها بخش کوچکی از واقعیت‌های بخش آب و اقتصاد سیاسی توزیع منافع آب را منعکس می‌کنند. وسعت افرادی که از فعالیت‌های مرتبط با مدیریت آب منفعت می‌برند یا متضرر می‌شوند، بسیار گسترده، و در بیشتر موارد شامل تمام جامعه، است. به صورت کلی، این ذینفعان را می‌توان به پنج گروه کلیدی تقسیم‌بندی کرد:

- ۱- افراد یا گروه‌هایی که به صورت مستقیم از مصرف منابع آب منفعت کسب می‌کنند. بهره‌بردارانی که در بخش کشاورزی، شرب، صنعتی، برق آبی و غیره فعالیت می‌کنند در این گروه قرار می‌گیرند.
- ۲- افراد یا گروه‌هایی که از پیامدهای جانبی مثبت و منفی مدیریت آب منتفع یا متضرر می‌شوند. آنهایی که از جریان‌ات برگشتی از کشاورزی استفاده می‌کنند و یا افرادی که در معرض آلودگی‌های فاضلاب‌های تصفیه‌نشده صنعتی هستند، در این گروه قرار می‌گیرند.
- ۳- افراد یا گروه‌هایی که به آب به عنوان کالا یا خدمت عمومی با هدف ایجاد تفریح و گردشگری، مقابله با سیلاب، قایقرانی، پایداری خدمات اکوسیستمی و زیست‌محیطی و یا حتی اهداف کلان‌تر چون زندگی کردن در جامعه‌ای که در آن فقر نیست، نگاه می‌کنند.
- ۴- افراد یا گروه‌هایی که از سرمایه‌گذاری‌های مالی و فعالیت‌های اقتصادی دولت در آب منفعت می‌برند.

۵- افراد و گروه‌هایی که به صورت غیرمستقیم، به خاطر مشارکت در فرایند تولید (اشتغال در بخش‌های مختلف و زنجیره‌های تولید در دیگر بخش‌ها)، از آب منفعت می‌برند.

با مرور طیف وسیع افراد و گروه‌هایی که با آب مرتبط هستند روشن می‌شود که وقتی در مورد دسترسی عادلانه به منابع آب صحبت می‌کنیم، باید اقتصاد سیاسی آب شامل همه ارزش‌های تولیدی توسط آب، تمام ذینفعان آب، اقتضانات و بازیگران و کنشگران عرصه تصمیم‌گیری که در تعیین سیاست‌ها، قواعد و قوانین آبی تاثیرگذارند، منافع تقسیم شده و پیشران‌های اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، جمعیتی، فرهنگی و سیاسی را مدنظر قرار دهیم.

۳-۲- پیش نیازهای تحقق عدالت آبی

به دلیل چندبعدی و کارکردهای مختلف آب در یک جامعه، تحقق عدالت آبی مستلزم فراهم کردن یک مجموعه از پیش‌زمینه‌ها و بسترهایی است که در ادامه مهمترین این پیش‌زمینه‌ها مطرح می‌شود.

• شفافیت پیش از عدالت

شفافیت مولفه و موضوعی زیربنایی تر و پایه‌ای تر از عدالت محسوب می‌شود. در اینجا شفافیت امری پیشینی بر عدالت است و نه پسینی. بدین معنی که ابتدا باید مشخص شود که چه چیزی و با چه ارزشی در اختیار و موجود داریم و بعد بگوییم که آن را چگونه باید به شیوه‌ای عادلانه توزیع کنیم؟ هدف آن است که هزینه چارچوب و رویکردی که برای تحقق و برقراری عدالت آبی انتخاب شده است، شفاف شود. این شفافیت می‌تواند در حوزه تعریف عدالت، نحوه اجرایی آن و اخذ تصمیمات در توزیع منابع آبی، قیمت واقعی آب و کمیت و کیفیت آب باشد. به دلیل بالا بودن هزینه سوءاستفاده‌های صورت گرفته از مفهوم عدالت برای جامعه در گذشته و بیم ادامه این سوءاستفاده‌ها در آینده به دلیل ابهام، نیاز است که در تعریف و شیوه اجرای عدالت در حوزه آب شفافیت کافی ایجاد شود. در راستای تحقق این شفافیت در موضوع عدالت در حوزه آب توجه به بعد زمان و مکان بسیار حائز اهمیت است. عدالت در حوزه آب را می‌تواند در یک بازه زمانی کوتاه مدت و مقطعی یا در یک بازه زمانی بلندمدت و پایدار تعریف کرد. از طرف دیگر، یکی از پیش‌زمینه‌های تحقق عدالت بر پایه درک آب به عنوان یک کالای اقتصادی و اجتماعی، تعیین ارزش آب و ایجاد شفافیت قیمتی و ارزشی آب است. به این معنی که با درک ارزش آب و واقعی شدن قیمت آن در هر منطقه و با آگاهی از ارزش آن و هزینه‌هایی که برای تحقق عدالت آبی باید بپردازیم، مسیر اجرای عدالت آبی هموارتر می‌شود. باید دانسته شود که تحقق عدالت آبی با تامین آب در قیمت پایین چه هزینه‌هایی بر دوش جامعه می‌گذارد و این هزینه‌ها از جیب چه کسانی برداشته می‌شود. بیشتر هزینه‌های تامین عدالت آبی از جیب نسل آینده و محیط‌زیست پرداخته می‌شود. شفافیت برای تحقق عدالت در حوزه آب علاوه بر شفافیت در حوزه کمیت آب ناظر بر شفافیت در حوزه کیفیت آب هم می‌باشد. باید اطلاعات منابع آب به صورت آزاد در دسترس همگان قرار گیرد و شفافیت کافی در مورد اطلاعات و شیوه تصمیم‌گیری در حوزه کیفیت منابع آب صورت گیرد.

• تعیین ارزش جغرافیایی آب

عدالت آبی وابسته به شرایط زمانی و مکانی می‌باشد و در شرایط جغرافیایی، اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی منطقه تعریف می‌شود. عدالت آبی یک مفهوم محلی در بستری از نهادهای ملی و کلان است. رابطه دو سویه شرایط محلی و ملی

بسیار پر رنگ است. به زبان دیگر، عدالت در بستر یک حکمرانی چند سطحی معنا و تحقق پیدا می کند. به این معنی که نگاه ملی به مفهوم عدالت آبی منافع ملی در تحقق این مفهوم و شیوه اجرای آن و فراهم کردن بسترهای نهادی و حقوقی آن را مدنظر دارد و در سطح محلی به مصداقها و شیوه دسترسی به منابع آب متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی، هیدرولوژیکی و سیاسی می پردازد. وقتی تنها از نگاه ملی و کلان به مسئله عدالت نگریسته شود، این مفهوم در سطح و به صورت کلی، مبهم و غیر موثر و غیر قابل اجرا باقی می ماند. اما در سطح محلی و عرصه بهره برداری از منابع است که مفهوم عدالت در مدیریت آب برون دادی عینی پیدا می کند. به دلیل این که مسئله آب ذاتا مسئله ای محلی است و مسائل و شیوه مدیریت آن وابستگی زیادی به شرایط محلی دارد. مسئله آب در هر منطقه ای با مسئله آب در منطقه دیگر فرق می کند. از این رو، عدالت آبی وابسته زیادی به جایگاه آب در منطقه مورد نظر دارد. به گونه ای تا ارزش جغرافیای آب در هر منطقه مشخص نشود، مناسبترین نوع عدالت آبی برای آن منطقه مشخص نمی شود.

بنابراین، تعریف و شیوه اجرای عدالت در حوزه منابع آب برای یک منطقه با منطقه دیگر فرق می کند. عدالت مقید به ضوابط و محدودیت هایی است که آن منطقه تحمیل می کند. به دیگر سخن، عدالت در حوزه منابع آب یک نوع عدالت جغرافیایی در درون خود دارد. این موضوع یک مولفه از چارچوب انتظام بخشی منسجم و دقیق است که این انتظام بخشی باید در یک نظم درونی توسط ذینفعان هر منطقه شکل گیرد.

• تعریف رابطه عدالت با سبک زندگی

عدالت در حوزه آب دنباله رو و تابع افزایش مصرف آب در اثر افزایش رفاه مصرف گرایانه نیست. به این معنی که این موضوع در تضاد با تحقق عدالت است که سبک زندگی پرمصرفی از طرف ساکنان یک منطقه انتخاب شود و عدالت به معنای تامین آب بیشتر و توزیع برابر آن بین این افراد باشد. بنابراین پیش زمینه اجرایی عدالت در حوزه آب مشخص کردن سبک زندگی متناسب با هر منطقه بر اساس شرایط منابع آبی آن منطقه است. این سبک زندگی شامل رژیم غذایی، معماری، پوشش، عادات تفریحی و غیره می شود. از این رو، تعیین سبک زندگی و نظام ارزشی رابطه وثیقی با عدالت آبی دارد. سبک زندگی پرمصرف و نوع نگاه مصرف گرایانه به منابع آبی و توهم فراوانی آب، اجرای عدالت را به سمت تامین منابع آب بیشتر می برد. عدالت آبی، که در درازمدت و به صورت پایدار برقرار باشد، با مصرف بی رویه آب و ولخرجی آبی امکان تحقق پیدا نمی کند. عدالت آبی باید برای آبی با ارزش بالا محقق شود و نه آبی بی ارزش و کم بها. بنابراین سبک زندگی پرمصرف تنها در کوتاه مدت توهم رفاه ایجاد می کند و قابل ادامه دادن نیست. تمدنهای بزرگ با انتخاب سبک زندگی مناسب با اقلیم و جغرافیایی خود دوام پیدا کرده است. به دیگر سخن، سبک زندگی و کم آبی موجب یک نوع عدالت آبی با حفظ کرامت انسانی و پایداری جامعه می شود.

• رابطه عدالت آبی با توسعه

انتخاب رویکردها و سیاست های توسعه ای نامناسب و پرمصرف از نظر آبی به همراه اقتصاد سیاسی رانتهی تاثیر زیادی بر اجرای عدالت در حوزه آب دارد. در صورت تبیین سیاست های ناکارآمد اقتصادی در بخش های مختلف مصرفی چون کشاورزی، صنعت و توسعه نامتوازن مراکز شهری و سیاست های جمعیتی و به طور کلی محرک های توسعه، عدالت آبی بسیار دچار چالش شده و متاثر می شود. بنابراین پیش زمینه توسعه متوازن با رویکرد آمایش سرزمین و گذاشتن بار توسعه ای متناسب بر ظرفیت آبی هر منطقه برای تحقق عدالت آبی به خصوص برای تحقق عدالت زیست محیطی و

فرانسلی در حوزه آب بسیار ضروری است. اتخاذ دیدگاه ایدئولوژیک به حوزه توسعه و اقتصاد منجر به سیاست‌هایی چون سیاست خودکفایی می‌شود که عدالت آبی را مورد تهدید قرار می‌دهد.

• پیوند عدالت آبی با عدالت انرژی و دیگر انواع عدالت منابع طبیعی

پیوند به آب، غذا و انرژی این مسئله را برجسته می‌کند که نیاز است موضوع تحقق عدالت در حوزه آب در یک چارچوب بزرگتر که عدالت در حوزه انرژی و غذا را هم شامل می‌شود، مدنظر قرار داده شود. از انرژی برای بهره برداری از آب استفاده می‌شود و آب به عنوان یک نهاد در تولید غذا و انرژی مصرف می‌شود. از این رو، بدون شک ارتباط تنگاتنگ آب با دیگر منابع و بخش‌ها، به خصوص انرژی و غذا، این مسئله را برجسته می‌کند که تحقق عدالت آبی بدون تحقق عدالت در حوزه انرژی و غذایی امکان پذیر نیست. وضعیت توزیع یارانه‌های انرژی و تاثیر آن بر برداشت منابع آب شامل استفاده از تکنولوژی چاه عمیق، ناچیز کردن هزینه برداشت از منابع آب، غیرواقعی کردن هزینه‌های تولید و غیره، منجر به تخریب منابع آب، به خصوص منابع آب زیرزمینی، شده است و دست‌اندازی به حقوق متقدمین را آسانتر کرده است. این موضوع تاثیر بسزایی در تحقق عدالت در حوزه آب دارد. تحقق عدالت انرژی منجر به واقعی شدن هزینه‌های تولید و شفافیت در هزینه‌های آب می‌شود که این از الزامات تحقق عدالت آبی است.

• تثبیت حقوق مالکیت آب

یکی از اصلی‌ترین پیش‌زمینه‌های اصلی تحقق عدالت آبی، با توجه به ساختار اجتماعی و فرهنگی کشور، جدل حقوقی بین دو نحله فکری است. گروهی که به محترم شمردن حقوق بهره‌برداران متقدم که دارای حقوق تاریخی در آب هستند و گروهی که با تکیه بر این استدلال که محدود نگه داشتن حق بهره‌برداری از منابع آب به گروه‌هایی که اقبال زاده شدن در یک خانواده با حق تاریخی را داشتند، ناعادلانه است، بهره‌برداری از منابع آب را زمانی عادلانه می‌دانند که هر فرد، بدون توجه به اصالت خانوادگی یا ریشه تاریخی، امکان دسترسی عادلانه و برابر به بهره‌برداری از منابع آب را داشته باشد.

گروه اول با تکیه بر دو قاعده فقه اسلامی، قاعده حیازت و قاعده لاضرر و لاضرار، و نظام حقوق عرفی، بر محترم شمردن شدن حقوق تاریخی خود در بهره‌برداری از منابع تاکید دارند و ضایع شدن این حقوق را نمونه بی‌عدالتی می‌دانند. اما گروه دوم، با غیرعادلانه، غیراخلاقی و اشرافی خواندن حق برخورداری از فرصت‌ها و امکانات برای گروهی به دلیل داشتن خاستگاه خانوادگی، در استدلال خود بر اخلاق، حقوق ذاتی، کرامت انسانی، عدالت، برابری در دسترسی به فرصت‌ها و امکانات، تلاش و شایستگی تاکید دارند. حرف این افراد این است که فارغ از خاستگاه خانوادگی و حق تاریخی، همه افراد باید فرصت برابری برای برخورداری از منابع آب داشته باشند.

خروج از این ابهام حقوقی و تثبیت حقوق مالکیت از اولین گام‌های نیل به سمت تحقق عدالت در حوزه آب است. اساساً عدالت به پشتوانه حقوق آب و تعریف عادلانه از حق امکان تحقق پیدا می‌کند. در جامعه‌ای که آشفتگی و رهاشدگی در موضوع حقوق آب وجود دارد، تعریف شفاف و دقیقی درباره حقوق مالکیت آب و شیوه اجرای آن وجود ندارد و رابطه حق بهره‌برداری از منابع آب در حوزه مدیریت مدرن آب (مجوز بهره‌برداری) و حقوق بهره‌برداران متقدم مشخص نیست، تحقق عدالت در حوزه آب با چالش‌های بزرگی روبرو است.

۳-۳- موانع تحقق عدالت در حوزه آب

برای تحقق عدالت موانع بسیار متعددی بر سر راه قرار دارد. از جمله این موانع عبارتند از:

• فقدان تعریف شفاف و توجه به چگونگی برپایی عدالت آبی

از موانع پیش روی برپایی عدالت در حوزه آب در هر جامعه ای ارائه تعریف دقیق و شفاف از عدالت و شیوه عملیاتی کردن آن است. تعریف دقیق و شفاف عدالت کمک میکند که منظور از عدالت و گستره مورد توجه آن مشخص شده و از ایجاد فضای تفسیرهای متفاوت و گاه متناقض جلوگیری شود. علاوه بر مشخص کردن تعریفی شفاف و دقیق از عدالت نحوه و چگونگی اجرای عدالت هم بسیار مبهم است. بنابراین از موانع اجرای عدالت مشخص نبودن شیوه اجرای عدالت و کم عمق بودن تجربه و دانش جامعه کارشناسی و مدیریت و سیاستگذاری در این زمینه است. با ابهام در حوزه تعریف و اجرای عدالت، تنها به بی‌عدالتی‌ها و رانت‌جویی‌ها دامن زده می‌شود و این ابهام خواسته کسانی است که مشخص و شفاف بودن تعریف و شیوه اجرای عدالت منافع آنها را تهدید می‌کند.

• ضعف اقتدار در حکمرانی آب

مهمترین بحث در اجرای عدالت آبی و تحقق انصاف آبی این است که تا چه اندازه تصمیماتی که اخذ می‌شود اجرا می‌شود و حقوقی که مشخص می‌شود قابل دفاع و صیانت است. به سخن دیگر، مشروعیت و اقتدار جامعه در اجرای تصمیمات و احقاق حق در عمل بسیار مهم در برپایی عدالت در حوزه آب موثر است. اگر در دوره‌های خشکسالی اجرای عدالت حکم می‌کند که به میزان یکسان یا به نسبت برابر از سهم بهره‌برداران بالادست و پایین دست کم شود، آیا اقتدار لازم برای اجرای این تصمیم وجود دارد تا کنترل شود که بهره‌برداران بالادست به اندازه سهم خود برداشت کرده و حق بهره‌برداران پایین دست برای برداشت آب رعایت شده و سهم آنها داده شود. در غیاب یک سازوکار مشخص، انتظام‌بخشی قوی و اقتدار لازم در اجرای قواعد، تحقق عدالت، و انصاف ممکن نخواهد بود. این نکته تا اندازه‌ای اهمیت دارد که می‌توان وجود اقتدار در قاعده سازی و تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات و احترام به قواعد زیرساخت عدالت محسوب می‌شود.

• عدم تعیین تکلیف حقوق بهره‌برداران متقدم

اولین گام در اصلاحات آبی در هر کشوری تعیین شیوه حرکت از حقوق عرفی به حقوق مدرن با تعیین تکلیف در مورد حقوق بهره‌برداران متقدم است. در ایران مسیر حرکت از دوران حقوق عرفی به حقوق مدرن با ابهامات و مشخص نکردن وضعیت حقوق بهره‌برداران متقدم طی شد و اجرای عدالت آبی در شرایط کنونی را دچار چالش‌های زیادی کرده است. هر گونه اجرای عدالت آبی در نظام حقوق مدرن آب منوط به تعیین تکلیف حقوق بهره‌برداران متقدم است. دست اندازی به حقوق مالکان قنات و بهره‌برداران پایین دست که دارای حقوق تاریخی در زمینه آب بوده‌اند، بازتوزیع ثروت‌های آبی را منجر شده و حقوق تاریخی بهره‌برداران متقدم ضایع شده است.

• عدم وجود سیاستی مشخص برای مدیریت تکنولوژی‌های آبی

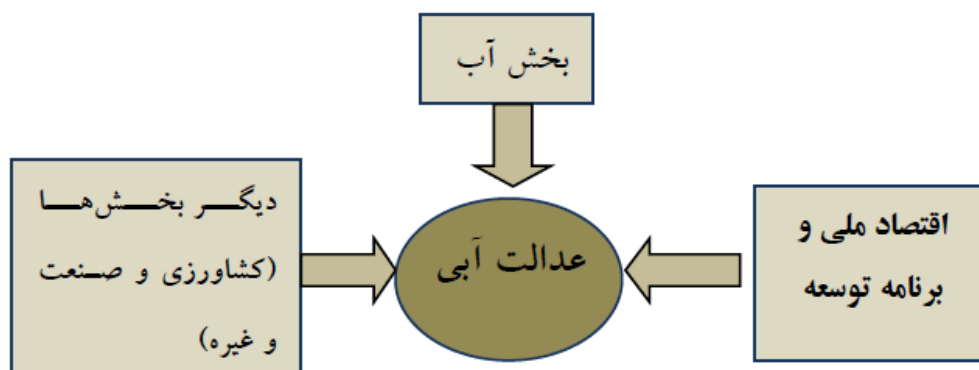
ورود تکنولوژی‌های چاه‌های عمیق بدون انجام مطالعات دقیق برای ورود آنها و بررسی پیامدهای آنها وقتی همراه با عدم نظارت و اقتدار لازم دستگاه‌های متولی آب همراه شد، منجر به توسعه حفر چاه‌های عمیق و توزیع مجدد منابع آبی

و منافع آبی شد. موضوع اجرای طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای که در دستور کار سیاستمداران است به معنای ورود تکنولوژی‌های غول‌پیکر پمپاژ و جابه‌جا کردن حقوق آب بین حوضه‌های آبریز می‌شود. تکنولوژی آب‌شیرین با تاثیرات محیط زیستی و اقتصادی و اجتماعی که دارند و پمپاژهای بزرگ مقیاس برای انتقال آب این آب شیرین‌کن‌ها نمونه‌ای دیگر از ورود تکنولوژی است که تاثیر زیادی بر جابجایی حقوق و مسئله عدالت آبی می‌کند. نداشتن سیاست و نظام‌نامه‌ای مشخص برای ارزیابی اثرات حقوقی، محیط‌زیستی، اقتصادی و اجتماعی ورود تکنولوژی نوین از موانع اصلی عدم تحقق عدالت آبی است.

۳-۴- چارچوب عدالت آبی

مفهوم عدالت آبی، به شکل پیچیده‌ای، ترکیبی از دسترسی عادلانه به منابع آب و به منافع و هزینه‌های اقتصادی-اجتماعی حاصل از آن و همچنین، ایجاد بستر فرهنگی و سیاسی منصفانه و اثربخش و اقتصاد سیاسی سالم، می‌باشد. فهم عدالت آبی نیازمند درک عمیق و خلاقانه از پیوند بینش هیدرولوژیکی نسبت به آب با عوامل اثرگذار اجتماعی، فنی، حقوقی، سیاسی و فرهنگی در نحوه دسترسی و تخصیص آب در یک منطقه، کشور و سطح جهان می‌باشد.

تحقق ابعاد عدالت آبی را نباید تنها به تقویت بستر نهادی، اجرایی و فنی در درون بخش آب محدود کرد. تحقق عدالت آبی علاوه بر تاثیرپذیری از نهادهای درون بخش آب، به دلیل پیوند بخش آب با بخش‌های بیرونی، از برنامه توسعه و اقتصاد ملی و برنامه دیگر بخش‌ها هم متاثر می‌شود. لذا، داشتن نگاه جامع‌نگر به عدالت آبی لزوم توجه به دیگر نهادها و ساختارهای اجتماعی و ارتباط نهادهای اجتماعی با نهادهای آب را برجسته می‌کند و حوزه عدالت آبی را بسیار گسترده‌تر از بخش آب می‌بیند (GWP, 2010). چنانچه در شکل ۲ نمایش داده شده، خدمات و فعالیت‌های مرتبط با آب متاثر از سه حوزه نهادی و مدیریتی درون بخش آب، بخش‌های دیگر (کشاورزی، انرژی و غیره) و سیاست‌های کلان اقتصادی و توسعه‌ای در سطح ملی می‌باشد.



شکل ۲- حوزه‌های سیاستی تاثیرگذار بر عدالت آبی

عدالت آبی زمانی محقق می‌شود که امکان توزیع منابع آب و منافع و هزینه‌های آن منصفانه باشد؛ رویه‌ها و فرایندهای تصمیم‌گیری برای مشارکت و تاثیرگذاری همه گرووداران عادلانه و مناسب باشد؛ گرووداران از فرایندها و نتایج تخصیص

دارای نیاز، میزان نیاز، رابطه مجموع نیازها با موجودی منبع، تغییرات زمانی نیاز، اولویت‌بندی نیازها و موارد دیگر روبرو است. اصل نیاز معمولاً بر تامین آب برای نیازهای پایه‌ای بشر و محیط‌زیست و اکوسیستم‌ها تاکید دارد. به این معنی که هر انسان، با تکیه بر حقوق بشر، برای بقاء، پایداری حیات و معیشت خود، به آب کافی و سالم نیاز دارد. تامین آب برای نیاز پایه‌ای محیط‌زیست مباحث پرچالشی است که نیازمند ارائه تعریف دقیق از محیط‌زیست و ارزش‌ها و منافع آن است. این نیاز پایه‌ای به غیر از بهره‌برداری از آب برای تولید ثروت و انجام فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد.

تامین نیازهای پایه‌ای برای بشر به عنوان یک حق طبیعی و از جمله موارد حقوق بشر می‌باشد. به این معنی که مقدار آب مورد نیاز برای نیازهای اساسی هر انسان شامل آشامیدن، بهداشت شخصی، شستن لباس‌ها، فراهم کردن غذا و بهداشت و درمان شخصی و خانگی، باید تامین شود. بر اساس برآوردهای محققان نشان می‌دهد که این نیاز برای هر شخص در شبانه‌روز بین ۲۵ تا ۱۰۰ لیتر آب می‌باشد (GWP, 2011).

البته برخی با توجه به محدودیت منابع آب، تامین رایگان آب به هر طریق و با هر پیامدی برای انسان بدون کنترل جمعیت را عادلانه نمی‌دانند. این گروه که بیشتر در دسته لیبرال‌های طرفدار اقتصاد بازار آزاد، قرار می‌گیرند، بر این باورند که تامین آب برای نیازهای پایه‌ای هم باید با توجه به قیمت جایگزین آب در هر منطقه صورت گیرد. از این طریق هر کس که باید هزینه زندگی و تامین نیازهای پایه‌ای خود را بداند و از این طریق جمعیت تنظیم شود. تامین آب برای همه افراد بدون کنترل رشد پرشتاب جمعیت و توجه به مسئله ظرفیت تحمل منابع آب از نظر برخی‌ها منصفانه نیست.

از طرف دیگر، شیوه تعیین میزان نیازهای پایه‌ای، اولویت‌بندی آنها و دسترسی عادلانه همه مناطق در یک سرزمین به طور یکسان به این میزان آب، از چالش‌های عمده تکیه بر اصل نیاز برای تحقق عدالت آبی است. برخی بر شیوه پروکراتیک و متمرکز با تکیه بر دانش کارشناسی و سازوکارهای اداری برای تعیین نیازها و مدیریت تقاضا تاکید دارند و برخی سازوکار بازار را بهترین شیوه شناسایی نیازها و تامین عادلانه آنها می‌دانند.

در مسئله اولویت‌بندی نیازها، این موضوع بسیار برجسته می‌شود که کدام نیاز را باید ابتدا پاسخ داد. برای نمونه، اگر چه تامین آب برای نیازهای پایه‌ای بشر از موارد اساسی است که در زمان بروز خشکسالی در اولویت اول قرار دارد، اما محیط‌زیست به عنوان یک گرودار اصلی، برای زنده ماندن در شرایط کمیابی آبی و پایداری اکوسیستم‌ها برای نسل آینده، نیازمند مقدار حداقلی از آب است. تامین حداقلی از نیازهای محیط‌زیستی برای حفظ اکوسیستم‌ها و ایجاد بستر ادامه حیات انسان در این کره خاکی، به اندازه تامین نیازهای پایه‌ای انسان در زمان حال اهمیت دارد.

اصل نیاز در مورد دیگر بهره‌بردارانی که به آب به عنوان نهاد تولید برای کسب منفعت و سود نگاه می‌کنند و نه تامین نیازهای اساسی، مطلوبیت و کاربرد موثری ندارد. اگر بخواهیم اصل نیاز را به عنوان تامین هر نوع نیاز و تقاضایی برای استفاده از آب (نیاز به آب برای کشاورزی، صنعت، کسب و کار و غیره) تفسیر کنیم در آن صورت چند چالش اصلی به وجود خواهد آمد. اول این که این اصل با اصل سود و منفعت شخصی بسیار نزدیک می‌شود. دوم اینکه در این دنبال کردن منفعت شخصی و مسابقه تامین نیازهای مختلف، نماینده نسل آینده و محیط‌زیست چه کسی خواهد بود و چگونه برای تامین نیازهای آنها در مقابل تقاضاهای دیگر ظاهر خواهد شد. تعقیب منفعت شخصی در منابع آب که کالایی مشترک است، منجر به بروز تراژدی منابع مشترک شده و با تخریب منابع آب منفعت عمومی را به خطر می‌اندازد.

اصل برابری: این اصل بر تامین و تخصیص آب به صورت برابر برای همه افراد و گروه‌ها تاکید دارد. طبق تعریف دورکیم از عدالت (سندل، ۱۳۹۴)، عدالت یک نوع برابری است. اما مهم این است که برابری در چه چیزی است؟ برابری در رفاه، برابری در دسترسی به منابع یا برابری در درآمد و نتایج توزیع منابع. اصل برابری در عدالت آبی، به دنبال تحقق فرصت‌های برابر در دسترسی به آب برای همگان است. برخی از تحلیل‌گران اصل برابری را دسترسی برابر همه انسانها به مقدار آب مورد نیاز برای تامین نیازهای پایه‌ای خود تفسیر می‌کنند. این تفسیر از اصل برابری با اصل نیاز پیوند تنگاتنگی پیدا می‌کند. اما تفسیرهای دیگر از برابری، مانند سهم و حق برابر مستقیم همگان از منابع آبی، به دلیل وجود حقوق تاریخی و عدم امکان عملی برای بازتوزیع منابع آبی در هر نسل، پر از ابهام و چالش هستند. برخی بر این باورند که بر اساس شرایط موجود و توزیع قبلی منابع، اصل برابری برای منابع آب قابل استفاده و عادلانه نیست. اصل برابری در مناطق و شرایط اجتماعی که روابط و پیوندهای اجتماعی بسیار مهم هستند اصل غالب در عدالت توزیعی است.

اصل انصاف: این اصل که کلیدی‌ترین و پرچالش‌ترین اصل عدالت است، برداشت غالب برای آن معادل استحقاق یا شایستگی است. این اصل بر ایجاد دسترسی افراد به منابع آب بر اساس میزان شایستگی افراد و مشارکت گرووداران به دلیل تلاش و کار فردی یا خانوادگی و تحمل دشواری فائق آمدن بر مشکلات استفاده از یک منبع، استوار است. سطح شایستگی به میزان استفاده موثر از یک منبع، میزان مشارکت آن در تولید یا میزان نهاده‌ای که وارد کرده، تلاش و کاری که در استفاده از منبع صرف کرده، مقدار ورودی که هر بهره‌بردار برای آن دارد و قدرت پیگیری ادعای حقوق تاریخی بهره‌بردار، ارزیابی می‌شود. اصل انصاف در درازمدت به رونق و رفاه همه جامعه از طریق ایجاد ثروت انباشته شده برای کل جامعه، منتهی می‌شود.

اما وقتی شایستگی به معنای محق دانستن بهره‌برداران متقدم به دلیل تلاش و استحقاق آنها بر پایه حقوق تاریخی که دارند، تفسیر شود، به طور بالقوه در عدم به رسمیت شناختن حقوق گروه‌های کمتر برخوردار مانند گروه‌هایی که نسل گذشته آنها مشارکت اقتصادی کمی داشته و به صورت تاریخی حقی در استفاده از منبع برای خود ایجاد نکرده‌اند، محل نقد و ابهام خواهد بود.

اصل کارایی: اصل کارایی بر تخصیص منابع آب به افراد و گروه‌هایی که استفاده بهینه‌تر و کاراتر از آب می‌کنند، تاکید دارد. می‌توان اصل کارایی را به عنوان اصل مدیریت موثر منابع آب و خردمندی در عدم اتلاف و تخریب منابع آب و توجه به منفعت کلان جامعه و تولید ثروت کل بر اساس منابع موجود آب درک کرد. منظور از کارایی بیشتر تخصیص آب به فعالیت‌هایی که تولید ارزش افزوده بالاتری دارند، است. از نظر این اصل، یک جامعه باید از منابع محدود آبی خود، بیشترین ثروت را تولید کند و به همین دلیل منصفانه‌ترین نحوه دسترسی به منابع آب را تخصیص منابع آب به افرادی که ارزش افزوده بیشتری تولید می‌کنند، می‌داند.

تفاوت اصل شایستگی (انصاف) و کارایی در آن است که انصاف به حقوق تاریخی و میزان مشارکت طولانی مدت خانوادگی گروه بهره‌بردار تاکید دارد ولی اصل کارایی میزان استفاده بهینه و کاراتر بهره‌برداران در زمان حاضر مد نظر می‌گیرد. اصل کارایی در پیوند با اصل انصاف بر ارتقاء رفاه و منفعت عمومی از طریق پایداری حقوق و بهترین استفاده از منابع آب در تولید ثروت برای جامعه تاکید دارد.

شایان توجه است که ابتدا باید با استفاده کارا و اثربخش از منابع آب در جامعه ثروتی تولید شود تا بتوان درباره دسترسی عادلانه به منافع آن ثروت صحبت کرد. اگر با مصرف منابع آب در فعالیت‌هایی که تولید ارزش افزوده و ثروت کمی دارند و باعث افزایش ثروت کل جامعه نمی‌شوند، منابع آب را هدر دهیم، تنها می‌توان فقر را بین مردم به صورت عادلانه توزیع کرد. از این رو اصل شایستگی و کارایی در تحقق عدالت اهمیت پیدا می‌کند.

۳-۴-۲- عدالت رویه‌ای در آب

عدالت رویه‌ای در منابع آب وجه دیگری از عدالت آبی است که منصفانه و عادلانه بودن قواعد، فرایندها و رویه‌های تصمیم‌گیری، انتشار اطلاعات و فرایند حل اختلاف در مورد منابع آب را دنبال می‌کند. در این جنبه از عدالت میزان شفافیت، بستر مشارکت، آزادی دسترسی و شنیدن همه صداها در تصمیم‌گیری در مورد دسترسی به منابع آب مورد توجه قرار می‌گیرد. عدالت رویه‌ای بر فرایندها تمرکز داشته و نتایج خروجی از یک فرایند که عادلانه باشد را عادلانه می‌پندارد. اصول و معیارهایی که برای تحقق عدالت رویه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد در سه دسته مشارکت، اقتصاد سیاسی و قواعد تصمیم‌گیری قابل تقسیم‌بندی هستند.

قواعد تصمیم‌گیری: این دسته از اصول، درباره فرایند واقعی تصمیم‌گیری هستند که شامل ثبات و پابرجایی، بی‌طرفی، دقت، قابلیت و فرصت جبران و اخلاق است. در پنجره شماره یک این اصول تشریح شده است.

اصل مشارکت: این اصل به شناسایی و تحلیل گروداران آب و میزان سطح دانش، ظرفیت و توانایی آنها و شرایط مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌های آبی توجه دارد. اصل مشارکت بر این موضوع استوار است که چه افراد و گروه‌هایی گرودار هستند و چه کسی این گروه‌ها را نمایندگی می‌کند. گروه‌ها ممکن است به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تحت تاثیر یک تصمیم در مورد منابع آب قرار گیرند. سوالاتی که در ذیل این اصل مطرح می‌شود عبارتند از:

- چه افراد و گروه‌هایی در تصمیم‌گیری در موضوع آب مشارکت دارند و چه گروه‌هایی به رسمیت شناخته می‌شوند؟
- چه کسی این گروه‌های شناخته‌شده را نمایندگی می‌کند و آیا این گروه توسط دیگر گروداران پذیرفته می‌شوند؟
- کدام گروه نمایندگی ندارد و چرا؟ آیا مسئله مشروعیت برای این گروه‌ها و نمایندگان آنها وجود دارد؟

اقتصاد سیاسی آب: یکی از مولفه‌های مهم در درک و تحقق عدالت رویه‌ای در منابع آب، شناخت اقتصاد سیاسی آب و تشخیص و تحلیل قدرت و سیاست در استفاده، مدیریت و حکمرانی آب است (Zwarteveen, 2014). قدرت و سیاست تنها در شکل رسمی آن شامل نهادها و فرایندهای رسمی سیاسی و تصمیم‌گیری چون قوانین، سلسله مراتب اداری محدود نمی‌شود و جریان‌های غیررسمی را هم شامل می‌شود. بنابراین، به سطح قدرت و تاثیرگذاری گروداران مختلف در مدیریت آب و میزان شنیدن نظرات و صداها و یا توانایی یک گروه در تاثیرگذاری بر تصمیمات توجه دارد. دلایل و عوامل موثر بر توانایی تاثیرگذاری گروه‌ها بر تصمیمات شامل موارد زیر می‌باشد:

- نحوه ساختار فرایندها، منابع رسمی قدرت (دادن حق بیان برابر به همه گروداران یا اولویت دادن برخی گروداران بر برخی دیگر)
- ظرفیت گروداران در انجام اقدامات مشترک،
- ارتباطات گروداران با همدیگر
- قدرت و توانایی غیررسمی آنها

کسانی که ظرفیت مشارکت بیشتر یا دانش تخصصی بیشتری در مورد آب دارند به صورت خواسته یا ناخواسته قدرت غیررسمی بیشتری برای تاثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری دارند. عدالت رویه‌ای در منابع آب به دنبال ایجاد بستر شفاف و عادلانه در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات آب است به گونه‌ای که نتیجه تصمیمات مورد قبول همگان باشد. احساس عادلانه انگاشتن تصمیمات توسط گروداران با مشارکت دادن آنها در تصمیم‌گیری حاصل می‌شود.

۳-۴-۳- عدالت تعاملی آب

عدالت تعاملی که به عدالت بین فردی هم شناخته می‌شود، از منظر روانشناسی بر این موضوع توجه دارد که مردم به عنوان اشخاص چگونه با هم در ارتباط هستند. این نوع عدالت به شکلی در حوزه عدالت رویه‌ای قرار می‌گیرند اما به دلیل اهمیت آن به صورت جداگانه مطرح می‌باشد. برای عدالت تعاملی فرایندهای تصمیم‌گیری به این دلیل که منافع غیرملموس مانند سرمایه اجتماعی با برقراری این نوع عدالت در بین مشارکت‌کنندگان بهبود می‌یابد. ارتقاء مشروعیت، اعتبار، احساس تعلق، ارزش مثبت و مفید بودن و تحقق باورهای اخلاقی از نتایج عدالت تعاملی است.

اصول اساسی این حوزه عدالت شامل احترام، کرامت، اعتماد و پذیرش موقعیت اجتماعی همدیگر می‌باشد. احترام به عنوان مهمترین اصل عدالت تعاملی بر حفظ احترام گروداران مختلف و شنیدن صدای آنها در یک فضای بی طرفانه و برابر تاکید دارد. اصل کرامت هم وجه تکمیلی اصل احترام محسوب می‌شود. اصل اعتماد چون با ذهنیت افراد ارتباط دارد، به دنبال ایجاد بستر مناسب برای بهبود اعتماد افراد به همدیگر و به نظام تصمیم‌گیری است. به دلیل این که عدالت رویه‌ای به حوزه روانشناسی برمی‌گردد و ما از منظر مدیریتی به بحث عدالت آبی می‌پردازیم، در این مقاله به جنبه عدالت تعاملی پرداخته نمی‌شود.

پنجره شماره یک: اصول عدالت آبی

۱- عدالت توزیعی (هر کسی چه سهمی از منابع آب نصیب می‌برد؟)

- ۱.۱. برابری (همه افراد به اندازه مساوی و یکسان سهم می‌برند).
- ۱.۲. نیاز (هر فردی به اندازه نیاز خود سهم می‌برد و کسانی که نیاز حیاتی به آن منابع یا درآمدها دارند در اولویت هستند).
- ۱.۳. شایستگی (هر کس به نسبت تلاشی که می‌کند سهم می‌برد).
- ۱.۴. کارایی (افرادی که از منابع به شکل بهینه‌تر و کاراتری استفاده می‌کنند، شایستگی بیشتری دارند).

۲- عدالت رویه‌ای یا فرایندی (تصمیمات چگونه اخذ می‌شوند)

- ۲.۱. شنیدن صداها (داشتن فرصت شنیده شدن، اظهار نظر و تاثیرگذاری برای همه افراد)
- ۲.۲. مشارکت (توانایی و بستر مناسب برای مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری)
- ۲.۳. ثبات و پابرجایی (عدم تغییر قواعد به صورت ناگهانی)
- ۲.۴. اخلاق (فقدان فساد، یا پیگیری و محاکمه در صورت اتقاق افتادن)
- ۲.۵. بی طرفی (فرصت برابر برای مشارکت همه افراد)

- ۲.۶. دقت (دقیق و صحیح بودن اطلاعات فراهم شده برای تصمیم‌گیری و دسترسی آزاد به اطلاعات)
- ۲.۷. فرصت جبران (امکان تجدیدنظر در مورد واقعیت‌ها و حقایق و اصلاح اشتباه احتمالی)
- ۲.۸. نمایندگی (امکان حضور و کنشگری نمایندگان طیف وسیعی از گروه‌داران مرتبط در فرایند تصمیم‌گیری)

۳- عدالت تعاملی

- ۴.۱. اعتماد (آیا افراد به نهادهای دولتی و دیگر گروه‌داران اعتماد دارند؟)
- ۴.۲. کرامت (آیا افراد حس می‌کنند با کرامت با آنها رفتار شده است؟)
- ۴.۳. احترام (آیا افراد حس می‌کنند با احترام با آنها رفتار شده است؟)
- ۴.۴. پذیرش موقعیت اجتماعی (احترام به افراد فراتر از موقعیت اجتماعی آنها)

از طرف دیگر، توجه به ابعاد، گستره و عمق بی‌عدالتی‌های آبی کمک شایان توجه به فهم عدالت آبی می‌کند. به عبارت دیگر، رویه دیگر سکه فهم مسئله عدالت آبی، شناخت و درک بی‌عدالتی‌های آبی است. به گونه‌ای که بیشتر محققان حوزه عدالت تلاش‌های خود در درک این مفهوم را با تحقیق در خصوص بی‌عدالتی‌ها شروع کرده‌اند.

۳-۵- نظام‌های مختلف مدیریت آب از منظر عدالت آبی

کدام نوع بهره‌برداری و مدیریت آب عادلانه‌ترین شیوه مدیریت آب است؟ برای این منظور، ابتدا باید نظام‌های بهره‌برداری از منابع آب را شناخت. در این بخش رژیم‌های حقوقی حاکم بر مدیریت آب مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. رژیم‌های حقوقی آب، نوع مالکیت آب را تعریف و مشخص می‌کنند. همچنین، با توجه به اینکه عدالت آبی نیازمند در نظر گرفتن حقوق تاریخی بهره‌برداران و نسل‌های آینده است، بنابراین پرداختن به رژیم‌های حقوقی بسیار اثربخش‌تر و مفیدتر است.

به طور کلی ما در مسئله حقوق آب با دو دوره متفاوت روبرو هستیم. دوره سنتی و دوره مدرن. در دوره مدرن با پیدایش دولت مدرن در ساحت جامعه، فضای حقوقی در منابع آب دگرگون شده و جامعه، در حوزه منابع آب، از حقوق عرفی به حقوق مدرن وارد شده است. این دو دوره تفاوت‌های برجسته‌ای با هم دارند. دوره مدرن دوره کمیابی و تعارضات و تضاد منافع است. بر خلاف حقوق عرفی که مالکیت وجود داشت، در دوره مدرن از مجوز و پروانه زماندار بهره‌برداری صحبت می‌شود.

به صورت تاریخی و با توجه به فراوانی منابع آب، مدیریت و بهره‌برداری از منابع آب با رویکرد دسترسی آزاد به منابع آب صورت می‌گرفت. اما به ترتیب بروز مشکلاتی همچون امکان برداشت اضافه‌تر از توان و ظرفیت آبی باعث شد نظام‌های دیگری چون بهره‌برداری آب بر پایه زمین و تسهیم آب بر پایه تقدم مطرح شوند. در دوره اخیر و با پیدایش دولت مدرن، نظام امانت‌داری عمومی به عنوان نظام بهره‌برداری از منابع آب مطرح شد. در ادامه نظام‌های آب بر اساس دکتترین حقوقی تشریح می‌شوند.

۳-۵-۱- پیوند مالکیت آب با زمین یا همجواری^۱

در دکتترین مالکیت آب بر پایه زمین، که دکتترین همجواری یکی از نمونه‌های آن است، مالکیت آب بر پایه مالکیت زمین قرار دارد. در این نظام، مالکیت آب به صورت ذاتی به مالکیت زمین پیوند دارد. در رژیم همجواری، بهره‌برداران

هم‌جوار با منابع آب سطحی نیازی به تعریف حقوق مالکیت آب ندارند و به همراه بهره‌برداران ساحلی دیگر دارای حقوقی مساوی و سهمی برابر در مورد منابع آب موجود، هستند. تحت دکترین همجواری خالص، بهره‌برداران غیرهم‌جوار هیچ حقی برای سهم بردن از منابع آب موجود ندارند. تنها محدودیت هر مالک زمین برای استفاده از کمیت آب، تامین و تضمین سهم و مصرف معقول دیگر صاحبان زمین هم‌جوار است. تعریف درست از مصرف معقول از بزرگترین چالش‌های این رژیم حقوق است. مصرف معقول استفاده مصرفی از آب را اجازه می‌دهد اما نحوه و میزان این مصرف معقول از منطقه‌ای به منطقه دیگر متغیر است (Tisdell, 2003).

در مورد منابع آب زیرزمینی، مالک زمین، مالک آب زیر زمین خود بوده و می‌تواند با حفر چاه از آب زیرزمینی استفاده کند. مالکیت آب به مالکیت زمین متصل است و آب به همراه مالکیت زمین معامله می‌شود. در مورد منابع آب زیرزمینی در مناطقی که قنات وجود دارد، زمین‌ها به همراه آب قناتی که آن را مشروب می‌کند، معامله می‌شود. در این رژیم حقوقی، هر نوع مالکیت زمین برای آب هم تعریف می‌شود. چون مالکیت زمین خصوصی است مالکیت آب متصل به زمین هم خصوصی می‌شود.

این رژیم حقوقی، مالکیت خصوصی و مالکیت اشتراکی که شاخه‌ای از مالکیت خصوصی است را در خود دارد. در نظام حقوق عرفی ایران در بیشتر مناطق، هم در مورد آب سطحی و هم آب زیرزمینی، مالکیت آب ذیل مالکیت زمین تعریف می‌شده و به صورت فردی یا اشتراکی بهره‌برداری صورت می‌گرفته است.

۳-۵-۲- دکترین تقدم^۱

در این رژیم به طور مشخص، حقوق و مالکیت آب را بر اساس زمان، مقدار، مکان و روش استحصال آب تعریف می‌کند و تخصیص می‌دهد. هر بهره‌بردار بالقوه، هم‌جوار یا غیرهم‌جوار، می‌تواند درخواست حق مالکیت آب کند. حقوق آب مستقل از زمین بوده و بر اساس استفاده مداوم و توسط یک مدیر آب و با توجه به میزان عرضه آب تنظیم می‌شود. این دکترین به لحاظ تاریخی بر پایه فلسفه «نخست در زمان، نخست در حق» بنا نهاده شده است. به موجب آن تامین آب از لحاظ نظری، بر اساس اولویت زمانی مالکیت صورت می‌گیرد و در مقایسه با دکترین همجواری تکیه بیشتری بر مالکیت خصوصی در آب دارد.

در نظام حقوقی کامن‌لا، بر اساس قاعده تصرف، «تصرف نخست ریشه حق است»، یک شخص اختیار یک ملک، منفعت یک ملک، منابع تجدیدپذیر و تجدیدنناپذیر موجود و منافع موجود در منابع مشترک را با تصرف و نگه داشتن آن به دست می‌آورد. در این نظام حقوقی، حق با کسی است که در بهره‌برداری از آن منبع تقدم زمانی داشته است. در اسلام که مبنای رژیم حقوقی ایران بر پایه آن است، مالکیت بر مبنای حق تقدم دسترسی تعریف شده و کسی که آب را استحصال و زمینی را آباد کند، مالک آن آب و زمین است و حق او محترم شمرده می‌شود. به گونه‌ای که کسی نمی‌تواند به حق او دست‌اندازی کند.

1- Doctrine of Prior Appropriation

در نظام حقوق ایران، مطابق ماده ۱۴۰ قانون مدنی، منابع آب جزو مباحات بوده که بر اساس قاعده فقهی حیات مباحات، هر کس با استیلاء و تسلط بر منابع آب که سابقه مالکیت شخص دیگری بر آن وجود نداشته باشد، مالک آن منابع آب می‌شود و بر پایه قاعده لاضرر و لاضرار، همواره حق با بهره‌بردار متقدم از نظر زمانی است و دیگر بهره‌برداران اگر ضرری به بهره‌بردار متقدم نزنند، حق بهره‌برداری دارند.

۳-۵-۳- دکتترین امانت‌داری عمومی^۱

با آشکار شدن اثرات و تبعات پیشران‌های توسعه همچون رشد اقتصادی، رشد جمعیت، امنیت غذایی و غیره، نیاز به نظارت و کنترل بر برداشت‌های بی‌رویه و توجه به منافع و مصالح عمومی و ملی و فرانسلی، نظام تسهیم آب تقدم‌پایه و حقوق آب بر پایه زمین با نظام مالکیت یا امانت‌داری عمومی در حقوق مدرن جایگزین گردید. بیشتر اصلاحات آبی دوران مدیریت نوین آب و چالش‌های حقوقی و مدیریتی آن بر گذار از نظام حقوقی گذشته به جدید و تثبیت حقوق مالکیت‌های بهره‌برداران متقدم تمرکز داشته است. در حال حاضر نظام مالکیت عمومی آب نظام پذیرفته شده در جهان می‌باشد. از این نظام، تفسیرهای عملی گوناگون و وسیعی از مالکیت آب در دست دولت تا دولت به عنوان امانت‌دار جامعه در حفاظت از منابع آب، ایفاد و به کار برده می‌شود. در مواردی حتی از این نظام، تفسیر دولت به عنوان دارنده حقوق برتر در استفاده از آب انجام می‌شود.

فارغ از تفسیرهای گوناگون، دال مرکزی این نظام حقوقی و بهره‌برداری از آب این است که دولت به عنوان قیّم منابع آب (سطحی و زیرزمینی) مسئول کنترل و حفاظت منابع و تعیین و ایجادکننده بستر مناسب برای بهره‌برداری عادلانه از آب است. در این نظام مفهوم حق مالکیت به حق انتفاع با صدور و اعطای مجوز بهره‌برداری تغییر یافته است. حق انتفاع حق استفاده و بهره‌برداری از منابع آب بدون داشتن حق مالکیت تعریف می‌شود (پشتوان، ۱۳۹۶). در این دکتترین مجوز بهره‌برداری از منابع آب، به عنوان ثروت ملی، توسط سازمانهای دولتی آب صادر و واگذار می‌شود. این مجوزها به صورت واحدهای استاندارد مثل مترمکعب تنظیم می‌شود و حجم آبی که پروانه آن صادر شده، در اختیار بهره‌بردار قرار می‌گیرد. مهمترین تمایز این دکتترین با دو دکتترین دیگر اختیار صدور مجوز و پروانه بهره‌برداری، توسط دولت و قدرت نظارتی دولت در حفاظت از منابع آب است. در این رژیم حقوقی، مالکیت آب به صورت عمومی تعریف می‌شود. منظور از مالکیت عمومی، مالکیتی است که مالک آن عموم مردم هستند و هیچ‌گونه مالکیتی برای هیچ شخصی تعریف نمی‌شود. در این نوع مالکیت، دولت به عنوان امانت‌دار مردم در بهره‌برداری از منابع آن بوده و با نظر کارشناسی و مطابق مصالح عمومی اقدام به دادن مجوز بهره‌برداری به افراد می‌کند. دولت با وضع قوانین و مقررات لازم، چگونگی استفاده مردم از این منابع را انتظام می‌بخشد و در صورتی که اصل منبع در خطر نابودی و انقراض قرار گیرد با وضع قوانین استفاده از آنها را محدود می‌نماید. دولت می‌تواند مطابق صلاحدید اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی از مکانیزم‌های مختلف بازار آب و دیگر ابزارها برای تخصیص آب استفاده کند و تنها ضامن حقوق تعریف شده توسط جامعه باشد.

۳-۶- ارزیابی مقدماتی عدالت آبی در رژیم‌های مختلف حقوقی

1- Public Trust Doctrine

ارزیابی میزان تحقق عدالت آبی در نظام‌های مختلف حقوقی آب به ما این کمک را می‌دهد که میزان عادلانه بودن هر یک از این نظام‌های حقوقی را بر اساس رویکردهای مختلف تشخیص دهیم. در ادامه رژیم‌های حقوقی مدیریت آب بر اساس سه دیدگاه راولز، نوزیک و چارچوب ارائه شده در مقاله بررسی و مقایسه می‌شود.

۳-۶-۱- بر اساس دیدگاه راولز

برای ارزیابی میزان تحقق عدالت آبی در نظام‌ها یا دکتترین‌های مختلف آبی از منظر دیدگاه راولز باید آگاه بود که این دیدگاه تنها به عدالت توزیعی و نتایج نظام توزیع منابع و منافع آن توجه دارد و عدالت رویه‌ای از منظر دیدگاه راولز مورد توجه قرار نمی‌گیرد. همچنین، در این دیدگاه علاوه بر تحقق اصول سه‌گانه (آزادی، برابری و تفاوت)، ابتدا باید میزان تحقق وضعیت نخستین نظریه راولز در هر دکتترین نظام حقوقی و مدیریتی آب بررسی شود. به این معنی که مشخص شود که اولین باری که دکتترین‌های مختلف به تقسیم منابع آب در یک جامعه می‌پردازند آیا به شکل عادلانه این کار انجام می‌شود یا نه؟ مطابق با تعریف راولز از عدالت اجتماعی، برای یک دکتترین حقوقی آب توزیع و تخصیص منابع آب باید در اولین بار تحت پرده‌ای از بی‌اطلاعی از موقعیت افراد در جامعه باشد. بر پایه این اصل، نظام حقوقی مالکیت آب بر اساس زمین به دلیل اینکه حق استفاده از آب را متعلق به کسی می‌داند که زمین دارد، پس تنها زمین‌داران حق استفاده از آب دارند و چون مالکیت زمین‌ها هم قبلاً تقسیم شده است، تنها بخشی از جامعه حق استفاده از این منابع را دارد.

نظام حقوقی همجواری هم، به عنوان یک شق از مالکیت آب بر پایه زمین، بدلیل استفاده انحصاری پیشنهاد شده برای بهره‌برداران هم‌جوار با منبع آبی که عادلانه نیست. چون وضعیت نخستین بی‌اطلاعی تحقق نیافته و دسترسی برابر به منابع برای همه ایجاد نمی‌کند.

همچنین، بر اساس اصل تفاوت راولز که بی‌عدالتی باید به نفع ضعیف‌ترین فرد باشد، با توجه به محرومیت تاریخی بهره‌برداران غیرهمجوار و فقر و عدم توانایی آنها، آب باید به بهره‌برداران غیرهمجوار تخصیص یابد، اما در دکتترین همجواری این تخصیص به طبقه محروم غیرهمجوار امکان‌پذیر نیست. در اصل دکتترین همجواری اصل آزادی فرصت افراد برای کسب حق آب به صورت برابر، و توزیع منابع برای بهبود وضعیت اقشار ضعیف و فقیر را محقق و تضمین نمی‌کند.

برخلاف دکتترین مالکیت آب بر پایه زمین، دکتترین تقدم‌پایه بر آزادی مالکیت برای بهره‌برداران زمین‌دار و بی‌زمین یا همجوار و غیرهمجوار، به صورت برابر توجه داشت. همچنین در این دکتترین به دلیل تعریف دقیق مالکیت‌ها، اطمینان از تامین آب افزایش می‌یابد و راه توسعه و انباشت ثروت اجتماعی هموار می‌شود. اما، به دلیل بی‌عدالتی که در اثر اولویت زمانی و تاریخی حقوق آب ایجاد می‌شود، دسترسی آزادانه و عادلانه‌ای به فرصت‌های برابر برای کسب مالکیت آب وجود ندارد. کسانی که در خانواده ثروتمندتری متولد شده‌اند و امکان برخورداری تاریخی از آب را دارند، امکان بیشتری برای بهره‌برداری از منابع آب دارند. در مورد اصل تفاوت در خصوص این رژیم حقوقی، با این فرض که افرادی که دارای حقوق تاریخی آب هستند افراد فقیرتری باشند، می‌توان با تکیه بر اصل تفاوت راولز این موضوع را توجیه کرد که البته این فرض صادق نیست.

دکترین امانت‌داری عمومی به دلیل نظم و ترتیبی که در حقوق و وضعیت آزادی فرصت‌ها در تخصیص منابع آب ایجاد می‌کند از دیدگاه راولز عادلانه‌تر دیده می‌شود. بر اساس اصل تفاوت، اختیار تخصیص و کنترل منابع آب در دست دولت باعث می‌شود که در زمان‌های خشکسالی که امکان تأمین کامل حق آبه‌ها نیست، دولت اختیار دادن آب به اقشار فقیر را داشته باشد.

در مجموع برای تحقق عدالت آبی از دیدگاه راولز باید اصل دسترسی آزادانه و برابر به فرصت‌ها و اصل تفاوت (بهبود وضعیت محرومترین و فقیرترین قشر جامعه) در دسترسی به آب رعایت شود. از دیدگاه راولز و اصول عدالت آن، نظام‌های حقوقی مالکیت آب بر پایه زمین و همجواری با نادیده گرفتن بهره‌برداران بی‌زمین و غیرهمجوار و دکترین تقدم‌پایه با سیستم ارجحیت دادن به حقوق متقدمان مکانی و زمانی، عادلانه ارزیابی نمی‌شوند. اما دکترین امانت‌داری عمومی به دلیل امکان اصلاح حقوق به نفع افزایش رفاه قشر محروم و فقیر با تکیه بر اصل تفاوت و برابری عادلانه ارزیابی می‌شود.

۳-۶-۲- بر اساس دیدگاه نوزیک

از دیدگاه نوزیک، عدالت آبی در رژیم‌های حقوقی و مدیریت آب را باید از منظر نحوه مشارکت افراد برای دستیابی به نفع شخصی خود و حفاظت از حقوق طبیعی افراد از تقلب یا فریب توسط دولت ارزیابی کرد. از این رو، نظام حقوقی مالکیت آب بر پایه زمین یا همجواری با تعریف و تثبیت پروانه بهره‌برداری برای همجواری و حفاظت از حقوق آنها در حداکثر کردن سود شخصی خود، هم‌راستا با فلسفه عدالت نوزیک دیده می‌شود. البته این سوال مطرح می‌شود که آیا نظام حقوقی همجواری محافظت از حقوق افراد در مقابل دست‌اندازی‌ها و تجاوزهای مختلف را فراهم می‌کند؟ این رژیم حقوقی، یک حقوق طبیعی که بتوان به آسانی از آن حفاظت کرد را فراهم نمی‌کند. در این نظام، تأمین شرایط حقوق دائمی و ثابت برای بهره‌برداران همجوار بسیار مشکل است.

از دیدگاه نوزیک، با دیدگاه تضمین حقوق کسب شده، در دکترین همجواری با وجود اینکه منابع آب بر اساس یک فرایند عادلانه‌ای تخصیص یافته و بهره‌برداران غیرهمجوار از برداشت آب و دست‌اندازی به حقوق آب همجواری منع می‌شوند، اما در حفاظت از حقوق بهره‌برداران همجوار از دست‌اندازی خود بهره‌برداران هم جوار و حل و فصل تعارضات آنها ناتوان بوده و به شکست می‌انجامد.

در دکترین تقدم‌پایه با توجه به اولویت داشتن حقوق متقدمین نسبت به بهره‌برداران جدید، حق جدید آب برای آبهای مازاد بر بهره‌برداران پیشین (آبهای تصاحب‌نشده) در رودخانه‌ها و نهرها تعریف و کسب می‌شود. بنابراین در شرایط کم‌یابی آبی یا محدودیت آبی، منابع آب مطابق فلسفه «تصرف نخست ریشه حق است» تخصیص داده می‌شود. به این معنی که ابتدا آب برای بهره‌برداران دارای حق آبه‌های اولیه و قدیمی‌تر تأمین می‌شود و اگر مازاد آبی بود به اشخاص دارای حق آبه‌های جدید و متاخرتر داده می‌شود. دولت حداقلی در دیدگاه نوزیک باید تنها با تضمین و محافظت از حقوق متقدمین و ایجاد فضای ثبات و امن برای مالکیت‌های متقدمین به مدیریت حقوق آب بپردازد. بر طبق دیدگاه نوزیک، اتخاذ هر روش دیگری برای بازتخصیص آب (که ممکن است آب را از بهره‌برداران قدیم به سمت بهره‌برداران جدید جابه‌جا کند)، نیاز به دخالت دولت است که این فراتر و مخالف ایده دولت حداقلی است.

بر اساس این دیدگاه، نظام حقوقی امانت‌داری عمومی یا مالکیت عمومی منابع آب به دلیل این که دولت را مسئول تخصیص و حفاظت از آب و هرگونه حق مالکیت طبیعی و دائمی بهره‌برداران بر منابع آب را غیرقابل قبول و منتفی می‌داند، غیرعادلانه تشخیص داده می‌شود. این رژیم حقوقی باعث دخالت عمده دولت در مدیریت منابع آب می‌شود که این موضوع بسیار فراتر از دولت حداقلی نوزیک بوده و در مقابل این دیدگاه قرار می‌گیرد. پس از نظر نوزیک هرگونه دخالت دولتی در تخصیص و بازتخصیص آب که بر پایه یک فرایند تاریخی و طبیعی به کسانی اختصاص داده شده، غیرقابل قبول و غیرعادلانه است. توزیع تاریخی آب بر پایه قواعد عرفی عادلانه بوده و تنها باید این حقوق را تضمین کرده و اجازه خرید و فروش این حقوق داده شود.

از این رو، نظریه نوزیک با تأکید بر حق نه خیر و فرایند کسب آن و به سعادت رساندن افراد جامعه و کسب حق بر اساس روند تاریخی و احترام به حقوق تعریف‌شده تاریخی، عادلانه‌ترین رژیم حقوقی، رژیم حقوقی تقدم‌پایه می‌داند.

۳-۶-۳- بر اساس مولفه‌های عدالت آبی

در این بخش به بررسی رژیم‌های حقوقی منابع آب بر اساس چارچوب عدالت آبی ارائه شده در این مقاله خواهیم پرداخت. این بررسی با تفکیک مولفه‌ها به حوزه‌های عدالتی (توزیعی، رویه‌ای و تعاملی) و ارزیابی نوع نگاه و نحوه تحقق هر کدام از انواع حوزه‌های عدالتی در رژیم‌های حقوقی و مدیریت منابع آب صورت می‌گیرد.

این نکته بسیار حائز اهمیت است که رژیم‌های حقوقی سنتی (مالکیت آب بر پایه زمین یا همجواری و تقدم‌پایه) در یک فضا و ساختار اجتماعی و هیدرولوژیکی متفاوت از رژیم‌های حقوقی مدرن بوده‌اند. در رژیم‌های حقوقی سنتی، دولت به معنای امروزی وجود نداشته و همچنین در یک شرایط هیدرولوژیکی که آب فراوان بوده است، شکل گرفته و کارکرد داشته است. در رژیم‌های حقوقی سنتی با توجه به اینکه تصمیمات به صورت مشترک و در یک نظام مدیریت محلی اتخاذ می‌شده، فرایند تصمیم‌گیری بر پایه عرف و شفاف و عادلانه بوده است.

اما با ورود دولت به معنای جدید و دادن اختیار حفاظت از منابع آب به دست دولت، نحوه دادن مجوزها و تصمیم‌گیری در مورد منابع و امکان سوءاستفاده از فرصت‌ها و نفوذ قدرت‌های سیاسی و اقتصادی در فرایندهای تصمیم‌گیری، بحث عدالت در فرایندهای تصمیم‌گیری و عدالت رویه‌ای مطرح شده است.

در ارزیابی میزان تحقق عدالت توزیعی بر اساس اصل نیاز، رژیم حقوقی هم‌جواری با محروم کردن بهره‌برداران غیرهمجوار و عدم وجود تضمین کافی در این رژیم برای تامین نیاز پایه‌ای زیست‌محیطی، ناعادلانه‌ای ارزیابی می‌شود. در مورد رژیم حقوقی تقدم‌پایه هم به دلیل عدم وجود تضمین کافی برای تامین نیازهای پایه‌ای زیست‌محیطی و نیازهای بهره‌برداران متاخر و جدید، مانند رژیم حقوق همجواری در تحقق اصل نیاز ناکارا و غیرموثر است. رژیم امانت‌داری عمومی با توجه به نقش دولت در تامین نیازهای پایه‌ای جامعه، در تحقق عدالت توزیعی، اصل نیاز و برابری را به صورت موثری دنبال می‌کند. توجه به تامین نیازهای پایه‌ای همه اقشار جامعه به عنوان وظیفه قانونی و مسئولیت اجتماعی دولت، باعث می‌شود که دولت این هدف را به عنوان اولویت خود قرار دهد. دو رژیم حقوقی همجواری و تقدم‌پایه در محقق کردن اصل برابری هم کارا نیستند. رژیم حقوقی همجواری با ایجاد تمایز بین بهره‌برداران همجوار و غیرهمجوار و

تمرکز بر تضمین حقوق بهره برداران همجوار اصل برابری را رعایت نمی کند. رژیم حقوقی همجواری نیز به دلیل ارجحیت دادن به حقوق بهره برداران متقدم زمانی و مکانی در برابر بهره برداران دیگر، اصل برابری را رعایت نمی کند.

بر پایه دو اصل شایستگی (انصاف) و کارایی که بر وجه تولید اقتصادی، دنبال کردن منفعت و رفاه شخصی و افزایش ثروت کل جامعه تاکید دارد، رژیم های حقوقی تقدم پایه و همجواری موثرتر از رژیم امانت داری عمومی عمل می کند. چون در اصل شایستگی که به میزان مشارکت و استحقاق افراد در نظام تولید توجه دارد، شایستگی برای کسانی که به صورت تاریخی با نیروی کار خود آبی را استحصال و در تولید استفاده کرده اند قابل حصول است. اما در مورد انتقال این شایستگی بین افراد از طریق ارث و غیره، ایراداتی گرفته می شود. دو رژیم حقوقی هم جواری و تقدم پایه به دلیل تضمینی که در تامین امنیت و حفاظت از حقوق مالکیت آب ایجاد می کنند باعث ایجاد امنیت در سرمایه گذاری و انباشت ثروت می شود. با این فرض منطقی که کسانی که به صورت تاریخی تجربه استفاده و تولید از منابع آب را دارند به نحوه خلاقانه تر و موثرتری با به کارگیری عوامل تولید و منابع آب، استفاده می کنند، از منظر شایستگی و کارایی دو رژیم حقوقی مزبور عادلانه به نظر می رسند. اما باید مدنظر داشت که این دو اصل افزایش ثروت کل جامعه و استفاده بهینه از منابع آب را مدنظر دارند و توزیع برابر منافع حاصل از آب در بین افراد را دنبال نمی کنند. جدول زیر مقایسه دکترین های مختلف آب را بر اساس حوزه های مختلف عدالت آبی نشان می دهد.

رژیم حقوقی	نوع مالکیت	حوزه های عدالت		
		عدالت توزیعی	عدالت رویه ای	عدالت تعاملی
مالکیت آب بر اساس زمین	خصوصی	این نظام بر اساس دو اصل نیاز و برابری ناعادلانه و بر اساس اصول شایستگی و کارایی عادلانه محسوب می شود.	به دلیل عدم مشارکت همه گرووداران همجوار و غیرهمجوار، محیط زیست و نسل های آینده، عدالت در فرایندهای تصمیم گیری در این نوع رژیم وجود ندارد.	به دلیل اینکه با بهره برداران غیرهمجوار با احترام رفتار نمی شود و در دسترسی به منابع آب و تصمیم گیری ها مشارکت داده نمی شود، عدالت تعاملی در این رژیم حقوقی محقق نمی شود.
تسهیم آب تقدم محور	خصوصی	بر اساس دو اصل شایستگی و کارایی این رژیم حقوقی عادلانه است ولی بر اساس اصل برابری و نیاز عادلانه نیست.	حق مالکیت بر اساس تقدم زمانی و مکانی است و این افراد قدرت تصمیم گیری دارند و عدالت در خصوص پایین دست و متاخرین رعایت نمی شود.	به دلیل اینکه حتی برای متاخرین قائل نیستند و به صدای نیازهای آنها احترام گذاشته نمی شود و کرامت آنها برای تامین نیازهای رعایت نمی شود.
امانت داری عمومی	عمومی	با توجه به اصول برابری و نیاز عادلانه است اما تحقق اصول شایستگی و کارایی از نظر تجربی تحقق با چالش و تردید مواجه است.	با شفافیت و انتظام بخشی دقیق و ایجاد بستر مشارکت افراد این حوزه از عدالت در این رژیم حقوقی قابل تحقق است.	در این رژیم با تعیین فرایندها و قواعد صحیح به دلیل همگانی بودن منابع، احترام به نظر همه اقشار و حفظ کرامت آنها و ایجاد اعتماد عمومی قابل تحقق است

در جمع بندی می توان گفت که در صورت تحقق عدالت رویه ای و تعاملی، رژیم حقوقی امانت داری عمومی در تحقق همه اصول عدالت موثرتر است. عدالت رویه ای بستری مناسب برای ایجاد شفافیت در تصمیم گیری و انتظام بخشی در مدیریت منابع آب ایجاد می کند و نتایج این فرایند شفاف و عادلانه به احتمال قوی عادلانه خواهد بود. اما بدون تحقق عدالت رویه ای، در رژیم حقوقی مالکیت عمومی به دلیل تمرکز قدرت و ثروت در دست دولت، امکان فساد و

بی‌عدالتی در تصمیم‌گیری و تخصیص منابع بسیار بالا است. نظام تصمیم‌گیری غیر شفاف و رانت‌خوار با قدرت و خشونت بیشتری دست به ضایع کردن منابع و فقیرتر کردن جامعه می‌زند. به عبارتی، نه تنها با توزیع عادلانه ثروت آبی بین مردم تحقق عدالت آبی در رژیم حقوقی امانت‌داری عمومی محقق نخواهد شد، بلکه تنها با توزیع فقر آبی بین مردم، جامعه را به فروپاشی نزدیک خواهد کرد. به این دلیل که وقتی منابع بر اساس کارایی و شایستگی در استفاده بهینه آن تخصیص نیابد، منابع ضایع و تلف خواهد شد و فرصت و امکان تولید و افزایش ثروت برای جامعه از بین رفته و منفعت عمومی و رفاه اجتماعی به همراه نمی‌آورد. به دیگر سخن، با توزیع ناعادلانه و فسادخیز منابع آب، فقر به صورت عادلانه در جامعه توزیع خواهد شد.

نظام تخصیص آب در همه رژیم‌های حقوقی مورد توجه و تاکید است. اما با توجه به محوریت نهادی به نام دولت در رژیم حقوقی امانت‌داری عمومی، در تحقق عدالت رویه‌ای نظام تخصیص منابع آب نقش بسیار کلیدی ایفا می‌کند. به آن دلیل که مجوزهای بهره‌برداری از منابع آب در نظام تخصیص منابع آب تعریف و صادر می‌شود. نظام تخصیص آب شفاف، مشارکتی و منصفانه به ایجاد اعتماد، همدلی، سرمایه اجتماعی و کنش جمعی برای تحقق فضایی همدلانه‌تر کمک می‌کند. بنابراین، نظام تخصیص آب در جامعه‌ای که دارای نظام حقوقی امانت‌داری عمومی منابع آب می‌باشد، بسیار مهم می‌باشد.

۴- جمع بندی

بی شک مفهوم عدالت، به صورت عام، و عدالت آبی، به طور خاص، یکی از پیچیده ترین و پرچالش ترین مفاهیم پیش روی جامعه بوده و راه و مسیر رمزگشایی از این مفهوم و تحقق آن بسیار سخت و طولانی است. برای پرداختن به موضوع عدالت در دسترسی به منابع آب، تعیین منافع حاصل از آب بسیار سخت و پیچیده است. ریشه و دلیل این پیچیدگی را در گستردگی منافع حاصل از آب در نقش های متعددی که آب در فعالیت های انسانی و در طبیعت ایفا می کند، باید جست. روابط پیچیده بین مولفه های مختلف سیستم های آبی با یکدیگر و دیگر بخش ها چون انرژی، غذا و امنیت، این پیچیدگی را دو چندان می کند. فهم مولفه های عدالت آبی در سه بخش عدالت توزیعی، عدالت رویه ای و عدالت تعاملی و مولفه های ذیل هر نوع عدالت تنها بخشی از فهم مسئله عدالت آبی و سازوکارهای اجرای آن است. بستر تحقق عدالت آبی در رژیم های حقوقی مختلف متفاوت است و هر کدام از این رژیم های حقوقی جنبه هایی از عدالت آبی را برجسته می کنند و از جنبه هایی غفلت می کنند.

علاوه بر فهم این مفهوم و مولفه های آن، ارتباط آن با حوزه های دیگر چون حکمرانی آب، توسعه، مدیریت آب، حقوق آب، اقتصاد آب از یک طرف و عدالت اقتصادی و اجتماعی از طرف دیگر نیاز به دقت و حساسیت در تعریف عدالت آبی را آشکار می کند. اجرای عدالت آبی در ایران مستلزم فراهم کردن پیش نیازهایی چون ایجاد شفافیت در بخش آب، تعیین ارزش جغرافیایی آب، تدقیق رابطه آب با توسعه، تعیین سبک زندگی سازگار و غیره می باشد. همچنین موانعی چون ضعف در اقتدار، عدم تعیین و تکلیف مسائل حقوقی، روشن نشدن جنبه های عملیاتی عدالت آبی و غیره پیش روی تحقق عدالت آبی در ایران است. در این نوشتار بیشتر به دنبال طرح مسئله عدالت آبی بود و تلاش شد با طرح مباحثی پیرامون این مفهوم، مولفه های آن شناخته شده و موضوعات و چالش های مرتبط با عدالت آبی بازگو شود. کاستی ها و خلاءها در این حوزه زیاد و نیازمند انجام پژوهش ها، مطالعات و بررسی ها دقیق و مفصل تر است. امید است که در آینده با انجام مطالعات بیشتر بر روی این مفهوم، جنبه های بیشتری از آن مورد تحلیل قرار گرفته و این تصویر شفاف تر شود.

مأخذ:

- ۱- اکبری، صدیقه، ۱۳۸۷، علل اجتماعی ظهور نهضت مزدک، مجله، دانشنامه دانشگاه آزاد اسلامی، شماره اول، پاییز ۱۳۸۷، صفحه ۶۱ تا ۸۷.
- ۲- آگاه، مهدی، حسنی سعدی، مریم، ۱۳۹۳، حقوق آب در فلات ایران در بستر تحولات اقتصادی و اجتماعی، اندیشکده تدبیر آب ایران، ۱۳۹۳.
- ۳- پشتوان، حمید، ۱۳۹۶، بایسته‌ها و مولفه‌های قانون آب، اندیشکده تدبیر آب ایران، ترجمه کتاب "اصلاح حکمرانی آب؛ فصل تبدیل سیاست به قانون"، IUCN، ۲۰۰۶.
- ۴- حکیمی، محمدرضا، ۱۳۹۲، منهای فقر، به کوشش مرتضی کیا، انتشارات علمی-فرهنگی الحیاء.
- ۵- جوادی پاشاکی، کوروش، سجادی فر. سیدحسین، احمدپور برازجانی. محمود، نجیبی فین. عبدالعظیم، ۱۳۹۵، سنجش اثر فعالیتهای اقتصادی ایران بر تقاضای آب، زمین و انسان در سال ۱۳۹۱، رهیافت جدول داده - ستانده، نشریه آب و توسعه، شماره ۱، شهریور ۱۳۹۵، صفحات ۲۳ تا ۳۰.
- ۶- سندل، مایکل، ۱۳۹۴، لیبرالیسم و محدودیت‌های عدالت، ترجمه‌ی حسن افشار، نشر مرکز، چاپ اول ۱۳۹۴.
- ۷- صدر، سید محمدباقر، ۱۳۴۸، اقتصاد ما، ترجمه محمد کاظم موسوی و عبدالعلی اسپهبدی، چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛
- ۸- فراهانی فرد، سعید. صادقی، حسن.، ۱۳۹۵، ساختار مالکیت و تأثیر آن بر بهره‌برداری از منابع طبیعی (بررسی تطبیقی)، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۵.
- ۹- میلر، دیوید، ۲۰۰۳، فلسفه سیاسی، مترجم بهمن دارالشفاهی، نشر ماهی، ۱۳۸۶.
- ۱۰- نوری اسفندیاری، انوش، ۱۳۹۳، رسانه و گفت و گوی آب، اندیشکده تدبیر آب ایران.
- ۱۱- نوری اسفندیاری، انوش، ۱۳۹۵، توسعه کم آب بر، تاملی در بازسازی مسیر توسعه کشور، اندیشکده تدبیر آب ایران، چاپ اول، نسخه الکترونیکی.
- ۱۲- نوری اسفندیاری، انوش، ۱۳۹۳، به سوی چارچوب مفهومی و تحلیلی اصلاح حکمرانی آب، اندیشکده تدبیر آب ایران، چاپ اول، مهرماه ۱۳۹۳، نسخه الکترونیکی
- ۱۳- نوری اسفندیاری، انوش، ۱۳۸۵، مشارکت نهادی زنان در مدیریت مصرف آب، انتشارات طراحان پدیده چاپ.

14- Boelens., Rutgerd, 2015., Water Justice in Latin America; The Politics of Difference, Equality, and Indifference., Publication under the auspices of cedla Center for Latin American Research and Documentation, Amsterdam.

15- GWP, 2011, Social Equity and Integrated Water Resources Management, TEC BACKGROUND PAPERS, NO. 15, GLOBAL WATER PARTNERSHIP TECHNICAL COMMITTEE.

- 16- Jackson., Sue, 2017, Enduring and persistent injustices in water access in Australia on Natural Resources and Environmental Justice; Australian Perspectives., / Anna Lukasiewicz, Stephen Dovers, Libby Robin, Jennifer McKay, Steven Schilizzi and Sonia Graham (editors), Published by CSIRO Publishing
- 17- Lukasiewicz , Anna, 2017, The Social Justice Framework: untangling the maze of justice complexities, on Natural Resources and Environmental Justice; Australian Perspectives., / Anna Lukasiewicz, Stephen Dovers, Libby Robin, Jennifer McKay, Steven Schilizzi and Sonia Graham (editors), Published by CSIRO Publishing
- 18- McKay, Jennifer, 2017, Australian jurisprudence of justice in water management: present limitations, future issues and law reform suggestions on Natural Resources and Environmental Justice; Australian Perspectives., / Anna Lukasiewicz, Stephen Dovers, Libby Robin, Jennifer McKay, Steven Schilizzi and Sonia Graham (editors), Published by CSIRO Publishing.
- 19- Patrick, M. J. (2012). Scale and justice in water allocation. Retrieved from <http://ro.ecu.edu.au/theses/474>
- 20- Tvedt., Terje., 2015,. WATER AND SOCIETY; CHANGING PERCEPTIONS OF SOCIETAL AND HISTORICAL DEVELOPMENT,. Published in 2015 by I.B.Tauris & Co. Ltd.
- 21- Tisdell G. John., 2003, Equity and Social Justice in Water Doctrines., Social Justice Research, Vol. 16, No. 4, December 2003.
- 22- Zwarteveen, Margreet Z., and Boelens, Rutgerd, 2014., Defining, researching and struggling for water justice: some conceptual building blocks for research and action., Water International, 2014, Vol. 39, No. 2, 143–158, <http://dx.doi.org/10.1080/02508060.2014.891168>.